

اهمیت نسبی خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری در شفاف سازی محیط اطلاعاتی شرکت از دیدگاه گروه‌های مختلف در پرتو تئوری مشروعیت سازمانی و تئوری ذینفعان

فرهاد فرقانی

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
f_forгани@yahoo.com

یونس بادآور نهندي

دانشیار حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
(نویسنده مسئول)

badavarnahandi@iaut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

چکیده

اطلاعات حسابداری به عنوان کالای عمومی، اثرات اجتماعی و اقتصادی بااهمیتی در جامعه، از طریق کمک به افزایش شفافیت و کارایی اطلاعاتی دارد؛ در تحقیق حاضر به منظور توسعه ادبیات موجود، به شناسایی اهمیت نسبی خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری در شفافیت محیط اطلاعاتی در پرتو تئوری ذینفعان و تئوری مشروعیت سازمانی پرداخته شده است. در این راستا، عدم تقارن اطلاعاتی و همزمانی قیمت سهام به عنوان معیارهای شفافیت محیط اطلاعاتی در نظر گرفته شده است. برای تعیین اهمیت نسبی هر یک از خصوصیات کیفی و الگوسازی آن از دیدگاه خبرگان، در چهار گروه به صورت جداگانه و از تکنیک آنروپی شانون استفاده شده است. برای سنجش اعتبار و مقایسه الگوهای ارایه شده از داده‌های ۱۲۵ شرکت پذیرفته شده در بورس در یک بازه زمانی ۷ ساله استفاده شده است. بر اساس نتایج تحقیق، در صورتی که از همزمانی قیمت سهام به عنوان معیار شفافیت محیط اطلاعاتی در پرتو تئوری مشروعیت سازمانی استفاده می‌شود، دیدگاه تحلیل‌گران شرکت‌های سرمایه‌گذاری قوی‌تر از سایر الگوها است؛ همچنین، در صورتی که از عدم تقارن اطلاعاتی به عنوان معیار شفافیت محیط اطلاعاتی در پرتو تئوری ذینفعان استفاده شود، دیدگاه اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها قوی‌تر از سایر الگوهای پیشنهادی تحقیق است. نتایج تحقیق حاضر موجب توسعه مبانی تئوریک و ادبیات حسابداری و مالی برای تعیین نقش و اهمیت نسبی هر یک از خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری در شفاف‌سازی محیط اطلاعاتی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: شفافیت محیط اطلاعاتی، خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری، تئوری اقتصاد سیاسی، تئوری ذینفعان، تئوری مشروعیت سازمانی.

۱- مقدمه

هدف از ایجاد سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری، فراهم نمودن محیطی است که هم اطلاعات را در اختیار قرار داده و هم ریسک خطای اطلاعات را کاهش دهد. اگر چه استانداردهای حسابداری و حسابرسی به عنوان دو مکانیسم نهادی باعث تقارن اطلاعاتی بین مالکان و مدیران می‌شوند، اما شکاف اطلاعاتی موجود بین آنها را کاملاً از بین نمی‌برند؛ از این رو محیط اطلاعاتی شفاف می‌تواند به بهبود اعتبار گزارشگری مالی و کاهش شکاف اطلاعاتی و نیز درک نقش اطلاعات حسابداری در ارزش‌گذاری و تامین مالی شرکت، کمک نماید. بنابراین شرکت‌هایی که محیط اطلاعاتی خود را بهبود می‌بخشند، شکاف اطلاعاتی را بین سرمایه‌گذاران مطلع و ناآگاه کم می‌کنند و کیفیت محیط اطلاعاتی باعث جذب سرمایه‌گذاران و کاهش هزینه‌های تأمین مالی شرکت‌ها می‌شود و در پی آن رشد و سودآوری آنها را به دنبال خواهد داشت (فخاری و رضائی پیتونه‌نوئی، ۱۳۹۶). اطلاعات حسابداری باید به منظور دستیابی به اهداف خود، از حداقل ویژگی‌هایی برخوردار باشد که آنها را اصطلاحاً خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری می‌نامیم. کیفیت اطلاعات حسابداری، میزان دقت گزارشگری مالی در بیان اطلاعات حسابداری و عملیات شرکت، به ویژه جریان‌های نقدی مورد انتظار می‌باشد که به منظور آگاهی سرمایه‌گذاران ارائه می‌شود. اطلاعات حسابداری منبع مهم و سودمندی برای تصمیم‌گیری گروه‌های طرف قرارداد و همچنین منبع اصلی در ارزیابی وظیفه مباشرت مدیران محسوب می‌شود. اطلاعات حسابداری با کیفیت بالا، می‌تواند منجر به افزایش کارایی سرمایه‌گذاری از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی گردد که این عدم تقارن اطلاعاتی در صورت وجود می‌تواند مشکلات اقتصادی همچون مخاطرات اخلاقی و گزینش نادرست را به همراه داشته باشد (حیدری، ۱۳۹۴). گزارش‌های حسابداری علاوه بر اهداف اقتصادی فوق، دارای اهداف اجتماعی و عمومی نیز می‌باشند که بر اهمیت و نقش حیاتی آنها افزوده است. این اهداف می‌تواند در پرتو مفروضات تئوری اقتصاد سیاسی و به صورت ویژه از طریق تئوری ذینفعان و تئوری مشروعیت سازمانی تبیین شوند. تئوری اقتصاد سیاسی در مقابل مفهوم قرارداد اجتماعی پیشنهاد می‌کند که وجود یک سازمان بر حمایت کلی جامعه تکیه می‌کند؛ اگر مشاهده گردد که یک سازمان درگیر فعالیت‌های اجتماعی نامطلوب شده است، جامعه از تأیید آن سازمان صرف‌نظر می‌کند و این امر موجب نابودی آن سازمان می‌شود. در یک جامعه پویا، منشاء قدرت سازمانی و نیاز به خدمات شرکت‌ها دائمی نخواهد بود؛ لذا یک شرکت باید پیوسته ثابت نماید که جامعه نیازمند خدمات اوست و گروه‌هایی که از وجود شرکت نفع می‌برند دارای تائیدیه اجتماعی هستند

(مهرانی و همکاران، ۱۳۹۴). تئوری اقتصاد سیاسی بحث می‌کند که حسابداری می‌تواند یک نقش محوری در ساختار سازمانی و محیط پیرامونش، به طور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بازی کند (علی‌خانی و مران‌جوری، ۱۳۹۳). نظریه اقتصاد سیاسی به این امر توجه می‌کند که چگونه سیاست‌ها (شامل خصوصیات اطلاعات حسابداری) بر روی نتایج اقتصادی (از قبیل شفافیت محیط اطلاعاتی در بازار سهام) اثر می‌گذارند، و همچنین از طریق روش مواجه شدن با این سوال نیز تعریف می‌شود. بدین ترتیب، در تحقیق حاضر برای نخستین گام، مبانی تئوریک را برای معیارهای شفافیت محیط اطلاعاتی در بازار سهام توسعه داده و با ارایه الگوهای تجربی از دیدگاه‌های مختلف اقدام به تعیین اهمیت نسبی انواع خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری در سنجش شفافیت محیط اطلاعاتی شده است و با توجه به تأیید اعتبار الگوهای تحقیق، ادبیات مالی و حسابداری در این زمینه گسترش داده شده است.

مبانی نظری تحقیق

شفافیت محیط اطلاعاتی

محیط اطلاعاتی در واقع به فضای خارج از سازمان‌ها گفته می‌شود که در آن فضا تصمیمات مرتبط با شرکت‌ها اتخاذ می‌شوند. در عصر حاضر اتخاذ هرگونه تصمیم منطقی و آگاهانه نیازمند دریافت اطلاعات مناسب و صحیح و به موقع است و این امر توجهات و الزامات خاصی را در بین نهادهای ذیربط و تصمیم‌گیرندگان ایجاد نموده است و وظایف و مکانیزم‌های خاصی را برای شرکت‌ها در راستای تولید اطلاعات مطلوب روشن کرده است. هدف از ایجاد سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری فراهم نمودن محیطی است که هم اطلاعات را در اختیار قرار داده و هم ریسک خطای اطلاعات را کاهش دهد. اطلاعات ما به حیات بازارهای سرمایه و هسته مرکزی فرضیه بازار کارا است. سرمایه‌گذاران در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود به اطلاعات منتشره شرکت‌ها تکیه کرده و میزان کمی و کیفی و زمان ارائه این اطلاعات نشان‌دهنده قدرت و ضعف بازار است. شفافیت اطلاعات مالی منتشر شده، در نگاه کلان منجر به شفافیت بازارهای مالی به خصوص بازارهای سرمایه شده و کارایی این بازارها را افزایش می‌دهد (شفیع‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷). چون در یک بازار کارا قیمت‌های سهام بر پایه تمامی اطلاعات در دسترس به دست می‌آیند، ناکافی بودن اطلاعات به خودی خود در شکل‌گیری نادرست قیمت‌ها نمود یافته و این حالت به گونه‌ای به قیمت‌گذاری آریب یا غیرواقعی در بازار می‌انجامد. وجود اطلاعات کافی در بازار و انعکاس به موقع و سریع آنها در قیمت اوراق بهادار ارتباط تنگاتنگی با کارایی بازار دارد. بورس

می‌تواند یک نقش محوری در شیوه ساختار سازمانی و محیط پیرامونش به‌طور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بازی کند (علی‌خانی و مران‌جوری، ۱۳۹۳). پارکر (۲۰۰۵) نیز بیان می‌کند که از دیدگاه اقتصاد سیاسی، اطلاعات حسابداری را نوعی سند اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌دانند. این اطلاعات به عنوان ابزارهایی مورد استفاده قرار می‌گیرند تا درون‌مایه یا مضامین ایدئولوژیک، نهادی و نظام‌های سیاسی و اقتصادی ارائه، طرح‌ریزی و دوام و بقای آنها تضمین شود، یعنی ابزارها یا عواملی که باعث می‌شوند سازمان به منافع مورد نظر خود دست یابد. بنگاه اقتصادی با ارائه و انتشار اطلاعات می‌کوشد مجموعه‌های بزرگی از مخاطبان (دریافت‌کنندگان گزارش‌ها) را از مسایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آگاه سازد. نمی‌توان گزارش‌های حسابداری را سندهای بی‌طرفانه و بدون جانبداری دانست، یعنی اطلاعات حسابداری بدان‌گونه نیستند که مورد ادعای نهاد‌های تدوین‌کننده مقررات حسابداری است، بلکه آنها چیزی جز مبادله یا داد و ستدهای بین شرکت و محیط اطلاعاتی خود می‌باشند و شرکت‌ها می‌کوشند از این طریق به انواع اهداف مورد نظر خود دست یابند. در تئوری اقتصاد کلاسیک، گزارش‌های حسابداری همانند ابزاری است جهت حمایت از کسانی که از منابع کمیاب جامعه استفاده و آن را کنترل می‌کنند و تضعیف کسانی که از این منابع استفاده نمی‌کنند. این تئوری تضاد طبقاتی و بی‌عدالتی ساختاری را مورد توجه قرار داده است. از طرف دیگر، اقتصاد غیر کلاسیک از اهمیت تضاد و تعارض‌های ساختاری کاسته و چندین دیدگاه جهانی را پذیرفته و به دخالت و فشار گروه‌های مختلف جامعه بر واحدهای تجاری اشاره دارد. البته این دو رویکرد بسیار متفاوت از هم هستند، اگرچه در یک مفهوم کلی توافق دارند که افشاهای حسابداری ابزارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هستند که به منظور ساختار بندی و تقویت ایدئولوژی و مقررات سازمان جهت افشای منابع خصوصی (و افزایش شفافیت محیط اطلاعاتی) آن بکار می‌رود. تئوری غیر کلاسیک اقتصاد سیاسی به دو شاخه تئوری مشروعیت و تئوری ذینفعان تقسیم می‌شود (علی‌خانی و مران‌جوری، ۱۳۹۳).

تئوری مشروعیت و شفافیت محیط اطلاعاتی

در دنیای امروزین، سازمان‌ها با هر اندازه و در هر بازاری باید برای بقای خود رضایت جامعه را کسب و حفظ کنند و این امر در صورتی حاصل خواهد شد که جامعه بپذیرد که عملیات سازمان‌ها تأثیری سودمند بر انسان‌ها و جامعه دارد. تئوری مشروعیت بر این فرض قرار دارد که سازمان‌ها به‌طور مستمر به دنبال اطمینان از این امر هستند که فعالیت‌هایشان از سوی

اوراق بهادار موظف به ایجاد یک بازار کارا می‌باشد به‌گونه‌ای که بتوان هر لحظه اوراق بهادار را با قیمت عادلانه مورد معامله قرار داد. افزایش سطح کارایی بازار موجب بهبود ساز و کار کشف قیمت و در نتیجه قیمت‌گذاری بهینه و افزایش امکان پیش‌بینی منطقی روند قیمت‌ها می‌شود (شیرنژاد و حسنی کلوانی، ۱۳۹۵). از نگرش سیستمی به سازمان و جامعه، یک واحد تجاری و جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کند بر یکدیگر اثر متقابل دارند. سازمان‌ها وظایفی در قبال جامعه بر عهده دارند و در تنظیم مکانیزم‌های اجتماعی و اقتصادی موثر می‌باشند، که از مهم‌ترین این وظایف عبارت است از فراهم نمودن اطلاعات مالی مطلوب و کافی برای ایجاد محیط اطلاعاتی شفاف و عاری از هرگونه عدم تقارن اطلاعاتی. در سال‌های اخیر، پژوهشگران و نظریه‌پردازان با استفاده از تئوری مشروعیت و تئوری ذینفعان درصد برآمده‌اند تا در این‌باره توضیح دهند که چرا سازمان‌ها در گزارش‌های سالانه خود، بر اساس برخی از مسئولیت‌های اجتماعی اقدام به انتشار اطلاعات می‌کنند. منشاء این تئوری‌ها نیز یک تئوری بزرگ‌تر است و آن تئوری اقتصاد سیاسی است (مرادی، ۱۳۹۵).

تئوری اقتصاد سیاسی و شفافیت محیط اطلاعاتی

تئوری اقتصاد سیاسی در حسابداری در دهه ۱۹۹۰ از نوشته‌های پارکر استخراج شده است؛ وی در مقابل مفهوم قرارداد اجتماعی پیشنهاد می‌کند که وجود یک سازمان بر حمایت کلی جامعه تکیه می‌کند و اگر مشاهده شود که یک سازمان درگیر فعالیت‌های اجتماعی نامطلوب شده است، جامعه از تأیید آن اجتناب می‌کند و این امر منجر به نابودی آن می‌گردد. اقتصاد سیاسی عبارت است از مطالعه روابط اجتماعی، به خصوص روابط قدرت، که شامل روابط متقابل بین بخش‌های تولید، توزیع، و مصرف منابع از قبیل اطلاعات مالی عمومی می‌شود. این فرمول به نوعی دارای ارزش کاربردی است، زیرا توجه محقق را به نحوه فعالیت تجارت اطلاعاتی جلب می‌کند. به عبارت دیگر، این فرمول به محقق می‌گوید که تولیدات اطلاعاتی از زنجیره‌ای از تولیدگران می‌گذرند تا به دست مصرف‌کننده برسند، برای مثال، از یک شرکت پذیرفته شده در بورس، به نهاد بورس، سپس به تحلیل‌گران بازار و در نهایت به مصرف‌کنندگان که اطلاعات را دریافت می‌کنند، می‌رسند. مرحله آخر نیز شامل بازخورد (واکنش بازار) میشود که دوباره به چرخه تولید باز می‌گردد. در هر صورت، ابهام کافی درباره هر کدام از شرکت‌کنندگان در این فرآیند نظیر تولیدگران، توزیع‌کنندگان، و مصرف‌کنندگان وجود دارد که در مورد استفاده از آنها لازم است احتیاط صورت گیرد. در پرتو مفاهیم تئوری اقتصاد سیاسی، اطلاعات حسابداری

شرکتها اهتمام واقعی برای بهبود شفافیت محیط اطلاعاتی جهت برقراری ارتباط مناسب با ذینفعان خود داشته باشند.

ذینفعان از آن جهت که به سازمان در دستیابی به اهدافش کمک می‌کنند با ارزش هستند. از این رو، سازمان هم در تدوین برنامه‌های مختلف نمی‌تواند نسبت به آنها بی‌تفاوت باشد و لذا تئوری ذینفعان سازمان‌ها را ناگزیر می‌سازد تا در اتخاذ تصمیمات عملیاتی و راهبردی به خواسته‌های آنها توجه داشته باشد. (فری من، ۱۹۹۵). یکی از انتظارات اولیه ذینفعان از شرکت این است که گزارش‌های مالی آنها بتواند به ایشان در حذف یا کنترل عدم تقارن اطلاعاتی و ارزیابی عملکرد شرکت کمک نماید (لو، ۱۹۸۸؛ پاگانو و ویلیپین، ۲۰۰۵؛ میناگی، جینگ و یونخیان؛ ۲۰۱۳؛ احمدپور و رسائیان، ۱۳۸۶). در این راستا حرفه حسابداری از طریق تعیین خصوصیات کیفی لازم برای اطلاعات مالی می‌کوشد تا تئوری ذینفعان را به گونه‌ای شایسته جامه عمل بپوشاند. تئوری ذینفعان به ابعاد و جنبه‌هایی از شرکتها توجه دارد که متضمن منافع کلیه ذینفعان باشد. شرکت‌هایی که دارای عدم تقارن اطلاعاتی بالاتری در محیط اطلاعاتی خود هستند مسلماً قادر به تأمین مطلوب منافع ذینفعان نخواهند بود، لذا تداوم فعالیت اینگونه شرکتها از ابهام اساسی برخوردار بوده و جایگاه مطلوبی در بازار نخواهند داشت. اطلاعات مالی و خصوصیات کیفی آنها از ابزارهای اصلی شرکتها جهت تأمین منافع ذینفعان خواهد بود، لذا در تحقیق حاضر عدم تقارن اطلاعاتی، منافع ذینفعان و شفافیت محیط اطلاعاتی شرکتها ابعاد متصل به یکدیگر در نظر گرفته شده و مبنای طراحی الگو و آزمون تجربی آن در نظر گرفته شده است.

پیشینه تجربی تحقیق

حکیم و عمری (۲۰۱۰) نشان دادند که اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش به‌عنوان معیاری از عدم تقارن اطلاعاتی با تخصص حساب‌برسان و موسسات حسابرسی بزرگ ارتباط منفی و با دوره تصدی موسسه حسابرسی ارتباط مثبتی دارد. حکیم و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین قابلیت مقایسه صورتهای مالی و ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند؛ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ریسک سقوط قیمت سهام با قابلیت مقایسه صورتهای مالی کاهش می‌یابد و این ارتباط منفی در محیطی که مدیران بیشتر در معرض نگهداشت اخبار بد هستند، قوی‌تر است. بنتلی‌گود و همکاران (۲۰۱۸) نشان می‌دهند استراتژی تجاری شرکتها بر کیفیت محیط اطلاعاتی آنها اثرگذار است. بایک و همکاران (۲۰۱۸) نیز نشان دادند که شرکت‌های دارای مدیران توانمند از محیط اطلاعاتی شفاف و باکیفیت‌تری برخوردار هستند. جاکوبی و همکاران

جامعه دارای مشروعیت می‌باشد. مدیران سازمان‌ها برای ادامه حیات آنها به هر شکلی سعی می‌کنند تا مشروعیت سازمان را افزایش دهند، لذا راهبردهایی همچون همراه شدن با انتظارات جامعه، افزایش منابع اجتماعی سازمان نسبت به مخارج اجتماعی آن، قرار دادن سیستم ارزشی سازمان در راستای سیستم ارزشی جامعه، توزیع منافع سیاسی و یا اجتماعی و اقتصادی میان گروه‌های مختلف از مجرای قدرت سازمانی خود، تغییر رفتار سازمان با تغییر نیازها و انتظارات جامعه، متقاعد ساختن آحاد جامعه در مورد مسئولیت پذیر بودن سازمان، کاهش تضاد منافع گروه‌های مختلف ذینفع در سازمان و تغییر درک عموم جامعه با دور ساختن توجه آنها از موضوعاتی که موجب نگرانی‌شان می‌گردد را اتخاذ می‌کنند. بررسی انگیزه‌های مرتبط با گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکت توجهات زیادی را در تاریخچه حدیریت و حسابداری به خود جلب کرده است (آدامز، ۲۰۰۲؛ دیگان، ۲۰۰۲؛ اون، ۲۰۰۸). در این راستا، تئوری مشروعیت سازمانی، تئوری ذینفعان و تئوری افشای داوطلبانه پرکاربردترین تئوری‌های مربوط به افشای عملکرد اجتماعی [شفافیت محیط اطلاعاتی شرکت] هستند (دیگان، ۲۰۰۲، برامر و پاولین، ۲۰۰۶؛ اون، ۲۰۰۸، بوتن و همکاران، ۲۰۱۲؛ استناد شده توسط مام‌صالحی و اسکندرلی، ۱۳۹۸).

منابع و سرمایه‌هایی که جامعه در اختیار شرکتها قرار داده است با استفاده از مکانیزم‌هایی کنترل می‌گردد که اصلی‌ترین آنها قیمت سهام و تغییرات قیمت می‌باشد. در این تحقیق بر مبنای تئوری‌ها و نتایج تجربی موجود در ادبیات مالی (مانند، پیترسوسکی و رولستون، ۲۰۰۴؛ دای و همکاران، ۲۰۱۹؛ شن و همکاران، ۲۰۲۱)، بالا بودن همزمانی قیمت سهام که منبعت از شفافیت اطلاعاتی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اقتصادی شرکتها است، به‌عنوان نشانه‌های دستیابی به مشروعیت سازمانی آنها در نظر گرفته شده است.

تئوری ذینفعان و شفافیت محیط اطلاعاتی

اساس تئوری ذینفعان این است که شرکتها بسیار بزرگ شده‌اند و تاثیر آنها بر جامعه آنچنان عمیق است که باید برای ایفای مسئولیت خود به غیر از سهامداران، به بخش‌های بسیار بیشتری از جامعه توجه کرده و پاسخگو باشند. در واقع، شرکتها یک نهاد اجتماعی هستند که در مقابل مجموعه عواملی وسیع‌تر از مالکان خود مسئول و پاسخگو می‌باشند (عیسایی تفرشی، ۱۳۹۲). تئوری ذینفعان بیان می‌کند که شرکت‌های خوب رابطه مطلوبی با سهامداران خود داشته و هدف از انجام کسب و کار را به حداکثر رساندن ارزش بلندمدت خود میدانند (دونالدسون و پرستون، ۱۹۹۵؛ دارابی و همکاران، ۱۳۹۵). لذا انتظار می‌رود

شرکتی [مبتنی بر تئوری ذینفعان] موجب کاهش اجتناب مالیاتی [ناشی از عدم وجود شفافیت اطلاعاتی] در شرکتهای مورد مطالعه شده است.

سوالات تحقیق

- ۱) الگوی شفافیت محیط اطلاعاتی بر اساس اهمیت نسبی خصوصیات کیفی اطلاعات مالی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها چگونه است؟
- ۲) الگوی شفافیت محیط اطلاعاتی بر اساس اهمیت نسبی خصوصیات کیفی اطلاعات مالی از دیدگاه مدیران حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی چگونه است؟
- ۳) الگوی شفافیت محیط اطلاعاتی بر اساس اهمیت نسبی خصوصیات کیفی اطلاعات مالی از دیدگاه مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره شرکت‌ها چگونه است؟
- ۴) الگوی شفافیت محیط اطلاعاتی بر اساس اهمیت نسبی خصوصیات کیفی اطلاعات مالی از دیدگاه تحلیل‌گران شرکت‌های سرمایه‌گذاری چگونه است؟
- ۵) از دیدگاه گروه‌های مختلف تأثیر شفافیت محیط اطلاعاتی بر عدم تقارن اطلاعاتی چگونه است؟
- ۶) از دیدگاه گروه‌های مختلف تأثیر شفافیت محیط اطلاعاتی بر همزمانی قیمت سهام چگونه است؟

نوع و روش اجرای تحقیق

روش پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه جمع‌آوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی است. از نظر نوع داده‌ها نیز یک پژوهشی کیفی (مبتنی بر دیدگاه‌های خبرگان) و کمی (شرکت‌های نمونه از بورس اوراق بهادار تهران) است، و از نظر شیوه تحلیل داده‌ها پژوهشی با روش آمیخته است که در بخش اول پژوهش از روش کیفی، و در بخش دیگر از روش کمی استفاده شده است.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق شامل دو گروه متفاوت به شرح زیر است: در بخش اول، پاسخ‌دهندگان این پژوهش از خبرگان حرفه‌ای و دانشگاهی سراسر کشور شامل اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و مراکز علمی؛ اعضای جامعه حسابداران رسمی؛ مدیران عامل و اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌ها؛ و مدیران و تحلیل‌گران بازار تشکیل می‌شود. در بخش دوم تحقیق نیز جهت اعتبارسنجی الگوی تحقیق، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، و برای یک دوره زمانی ۷ ساله از ۱۳۹۲ تا

(۲۰۱۹) نشان می‌دهند که مکانیزم‌های داخلی و بیرونی حاکمیت شرکتی به‌عنوان مکمل همدیگر بوده و شفافیت محیط اطلاعاتی را افزایش می‌دهند. گارسیا مارتین و هررو (۲۰۲۰) چنین یافتند که وجود تنوع جنسیتی در هیئت مدیره و وجود کمیته مسئولیت‌های اجتماعی موجب بهبود عملکرد محیطی و شفافیت اطلاعاتی یک شرکت خاص می‌گردد. وان‌هوانگ و همکاران (۲۰۲۱) نشان دادند که مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی (شامل تعداد اعضای هیئت مدیره، دوگانگی نقش مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره، تنوع جنسیت اعضای هیئت مدیره و مدیران ارشد اجرایی، نسل جوان اعضای هیئت مدیره) تأثیر مثبت و معنی‌داری بر بهبود شفافیت محیط اطلاعاتی و عملکرد شرکتهای دارد. در پژوهش‌های داخلی نیز، ابراهیمی نژاد، عباسی و خلیفه (۱۳۸۸) به بررسی روش‌های افزایش شفافیت اطلاعاتی بازار سرمایه ایران و انتخاب روشی بهینه با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی پرداختند. نتایج آنها نشان داد که روش افزایش آگاهی از دید سرمایه‌گذاران، کارگزاران و کارشناسان به‌عنوان روشی بهینه در شفاف‌سازی بورس شناخته می‌شود و روش‌های وضع و اجرای قوانین و خصوصی‌سازی به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند. یوسفی‌اصل، ملانظری و سلیمانی‌امیری (۱۳۹۳) در تحقیقی به تبیین مدل شفافیت گزارشگری مالی در بازار سرمایه و محیط اطلاعاتی ایران پرداختند. آنها در تحقیق خود مدل جامع شفافیت گزارشگری مالی را بر مبنای مدل بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) ارایه نموده و نشان دادند که بر مبنای آزمون انجام شده، تمامی معیارهای مورد نظر مورد تایید خبرگان بوده است. فخاری و رضائی پیتونه‌نویی (۱۳۹۶) به ارایه مدلی برای سنجش محیط اطلاعاتی شرکت‌ها پرداختند. نتایج آنها بیانگر این بوده است که مدل پیشنهادی تحقیق شاخص مناسبی برای محیط اطلاعاتی بوده و از چولگی کمتری نسبت به تک تک متغیرها برخوردار می‌باشد. رضائی و صفری (۱۳۹۸) نشان دادند که توانایی مدیریت موجب بهبود کیفیت محیط اطلاعاتی شرکت‌ها می‌گردد. طاهری‌عابد، علی‌نژاد و فغانی (۱۳۹۹) نشان دادند خودشیفتگی مدیران عامل اثر منفی بر شفافیت گزارشگری مالی دارد، اما این تأثیر معنادار نشده است. بین اطمینان بیش از حد و شفافیت گزارشگری مالی نیز رابطه منفی و معناداری وجود دارد. قادرزاده و محمدپناه (۱۳۹۹) به بررسی این موضوع پرداختند که چرا شرکت‌ها داوطلبانه و بدون هیچگونه الزام قانونی، اقدام به افشای اطلاعات مربوط به منابع انسانی خود می‌نمایند. نتایج آنها نشان می‌دهد که قدرت ذی‌نفعان بر افشای اطلاعات کارکنان بر اساس تحلیل محتوی با هر دو رویکرد شاخص و فراوانی تأثیر مثبت و معنادار دارد. علوی و قادرزاده (۱۴۰۰) نیز نشان دادند که وجود مسئولیت اجتماعی

• انتخاب خاصه

شرکت‌هایی که انتخاب خاصه را رعایت نکرده باشند و به عنوان بند در گزارش حسابرسی انعکاس یافته است، به آن‌ها عدد صفر و آن‌هایی که رعایت کرده‌اند عدد یک اختصاص می‌یابد. این معیار، یک معیار مستقیم از رعایت انتخاب خاصه است (شوروزی و نیکومرام، ۱۳۸۹).

• به‌موقع بودن

این متغیر عبارت است از تفاوت روزهای بین تاریخ امضای گزارش حسابرسی و تاریخ پایان دوره مالی هر شرکت در هر سال (همان منبع). برای همگن‌سازی و همچنین جهت تبدیل به یک معیار مستقیم از نسبت یک بر تفاوت روزهای بین تاریخ امضای گزارش حسابرسی و تاریخ پایان دوره مالی هر شرکت استفاده شده است.

• بیان صادقانه (رجحان محتوا بر شکل)

برای معیار اقلام تعهدی غیرعادی از مدل تعدیل شده جونز که توسط دیچو و همکاران (۱۹۹۵) توسعه یافته، به شرح زیر استفاده می‌گردد.

$$\frac{TAC_{it}}{TA_{it-1}} = \beta_{1j} \left(\frac{1}{TA_{it-1}} \right) + \frac{\beta_{2j} (\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it})}{TA_{it-1}} + \beta_{3j} \left(\frac{PPE_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

TAC_{it} = جمع اقلام تعهدی (سود عملیاتی منهای جریان نقد عملیاتی) شرکت i در پایان سال مالی t ; TA_{it-1} = جمع دارایی‌های شرکت i در پایان سال مالی $t-1$; ΔREV_{it} = تغییرات درآمد شرکت طی سال‌های $t-1$ تا t ; ΔREC_{it} = تغییرات حساب‌ها و اسناد دریافتی شرکت i طی سال‌های $t-1$ تا t ; PPE_{it} = مبلغ ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت i در پایان سال مالی t ; ε_{it} = مجموع خطای رگرسیون، فرض بر این است که به صورت مقطعی ناهمبسته و دارای توزیع نرمال با میانگین صفر هستند. هرچقدر قدرمطلق انحراف از خط رگرسیون کوچکتر باشد، بیان صادقانه نیز بیشتر است (شوروزی و نیکومرام، ۱۳۸۹).

• بی‌طرفی

بر اساس تحقیق باروا (۲۰۰۵) از معیار معکوس بی‌طرفی بر مبنای سودهای هر سهم گزارش شده دوره قبل و جاری استفاده می‌گردد. شرکت‌هایی مدنظر قرار می‌گیرند که تغییرات سود آن‌ها منفی نباشد و از کاهش سودها، اجتناب کنند. میزان افزایش سود شرکت در تابع توزیع تغییرات سود اگر حداکثر تا

۹۸ (با توجه به نیاز به اطلاعات سه سال قبل و سال آتی در اندازه‌گیری برخی متغیرها) در نظر گرفته شده است که دارای تمامی شرایط زیر باشند: دوره مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد و در بازه زمانی پژوهش تغییر سال مالی و یا خروج از بورس نداشته باشد؛ جزء شرکت‌های مالی نباشد؛ وقفه معاملاتی بیش از شش ماه متوالی نداشته باشند؛ و کلیه اطلاعات مالی مورد نیاز در دسترس باشد. بدین ترتیب از ۱۲۵ شرکت و ۸۷۵ مشاهده برای مقایسه مدل‌های تحقیق استفاده شده است.

متغیر مستقل: خصوصیات کیفی اطلاعات مالی

• ارزش پیش‌بینی‌کنندگی

ارزش پیش‌بینی‌کنندگی بر حسب توانایی سودهای جاری برای پیش‌بینی سودهای آتی و جریان‌های نقدی آتی با استفاده از مدل ذیل اندازه‌گیری شده است (باروا، ۲۰۱۵):

$$ROA_{it+1} = \lambda_0 + \lambda_1 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

ROA_{it} = بازده دارایی‌ها (سود خالص قبل از بهره و مالیات تقسیم بر کل دارایی‌ها) شرکت i در پایان سال مالی t ; ε_{it} = خطای باقیمانده مدل رگرسیونی برای شرکت i در پایان سال t .

در این پژوهش از رگرسیون چرخشی (غلطان) سه ساله برای هر یک از مشاهدات سال - شرکت در مدل فوق استفاده می‌شود و مشاهدات مخصوص به هر شرکت از سال $t-2$ تا t را دربرمی‌گیرد. قدرمطلق خطای اندازه‌گیری برآورد شده از این مدل‌ها به عنوان معیار معکوس توانایی پیش‌بینی سودهای آتی و توانایی پایین ارزش پیش‌بینی‌کنندگی می‌باشد.

• ارزش تأییدکنندگی (بازخورد)

ارزش تأییدکنندگی (بازخورد) با استفاده از اختلاف بین قدرمطلق خطای پیش‌بینی برای سال آتی، قبل و بعد از در نظر گرفتن سود دوره جاری طبق مدل زیر اندازه‌گیری می‌شود.

$$FV_{it} = |PE_{Bit+1}| - |PE_{Ait+1}|$$

FV_{it} = ارزش تأییدکنندگی سودها برای شرکت i در پایان سال مالی t ; $|PE_{Bit+1}|$ = قدرمطلق خطای پیش‌بینی سود سال‌های آتی بدون در نظر گرفتن سودهای جاری برای شرکت i در پایان سال مالی $t+1$; و $|PE_{Ait+1}|$ = قدرمطلق خطای پیش‌بینی سود سال‌های آتی با در نظر گرفتن سودهای جاری برای شرکت i در پایان سال مالی $t+1$.

مقایسه (ارائه گزارش‌های مشابه درباره مجموعه‌ای از رویدادهای مشابه) استفاده می‌شود. لذا، در هر سال از طریق رابطه‌های زیر سود شرکت i را یک بار با ضرایب خود شرکت i و یک بار با ضرایب شرکت j ، اما با بازده شرکت i (رویداد مشابه) برای دوره زمانی مشابه با دوره زمانی رابطه فوق برآورد می‌شود.

$$E(\text{EARN})_{ii,k} = \alpha_i + \beta_i \text{RET}_{i,k}$$

$$E(\text{EARN})_{ij,k} = \alpha_j + \beta_j \text{RET}_{i,k}$$

$E(\text{EARN})_{ii,k}$: سود پیش‌بینی شده برای شرکت i در سال k با استفاده از ضرایب شرکت i
 $E(\text{EARN})_{ij,k}$: سود پیش‌بینی شده برای شرکت i در سال k با استفاده از ضرایب شرکت j
 سپس قابلیت مقایسه بین دو شرکت i و j در سال t از طریق رابطه زیر محاسبه می‌شود.

$$\text{ComAcc}_{ij,t} = \frac{-1}{4} \sum_{k=3}^k |E(\text{EARN})_{ii,k} - E(\text{EARN})_{ij,k}|$$

مقادیر بیشتر برای $\text{ComAcc}_{ii,k}$ نشان‌دهنده قابلیت مقایسه بیشتر بین دو شرکت است. به طریق مشابه برای هر سال و هر جفت شرکت i با شرکت‌های j عضو یک صنعت، معیار $\text{ComAcc}_{ii,k}$ محاسبه می‌شود و میانگین ۴ عدد بزرگتر محاسبه شده برای آن، معیار قابلیت مقایسه خاص شرکت i تعریف می‌شود که با Com_i نشان داده می‌شود.

• محتوای اطلاعاتی صورت‌های مالی

این متغیر با استفاده از مدل اولسن و فلتهاگ (۱۹۹۵) به شرح زیر اندازه‌گیری شده است:

$$MV_{i,t} = \alpha + \beta_1 BV_{i,t} + \beta_2 NI_{i,t} + \varepsilon$$

MV ارزش کل بازار سهام شرکت (حاصل ضرب قیمت هر سهم در تعداد سهام منتشره) $= BV$ ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و NI نیز سود گزارش شده می‌باشد. هر سه متغیر با تقسیم بر جمع دارایی‌های ابتدای سال همگن می‌شوند. ضریب متغیر توضیحی سود نشان‌دهنده محتوای اطلاعاتی سود می‌باشد.

• قابل فهم بودن

به پیروی از تحقیق آقایی و رحمانی (۱۳۹۲) بر مبنای تعداد صفحات گزارش‌های مالی به عنوان معیار معکوسی از آن اندازه‌گیری شده است.

۰/۱۵ خطای تابع توزیع نرمال باشد، دارای بی‌طرفی کامل (نمره یک)، در غیر این صورت با وجود تغییرات کاهش و یا افزایش از حد مجاز خطای باقیمانده به عنوان عدم بی‌طرفی (نمره صفر) در نظر گرفته می‌شود. این معیار، یک معیار مستقیم از بی‌طرفی است (شورورزی و نیکومرام، ۱۳۸۹).

• احتیاط (محافظه کاری)

محافظه کاری بر مبنای مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰) به شرح زیر اندازه‌گیری شده است.

$$\text{NCCCON} = (-1) \times \frac{\text{جریان نقد عملیاتی} - \text{استهلاک دارایی‌ها} + \text{سود عملیاتی}}{\text{ارزش دفتری دارایی‌های اول دوره}}$$

رشد ارقام تعهدی می‌تواند شاخصی از تغییر در درجه محافظه کاری حسابداری در طول یک دوره بلندمدت باشد. یعنی، اگر ارقام تعهدی افزایش یابد، محافظه کاری کاهش می‌یابد و بالعکس؛ لذا، شاخص مدل گیولی و هاین، یک معیار مستقیم از محافظه کاری می‌باشد.

• کامل بودن

شرکت‌هایی که در گزارش سالانه حسابرسی بند محدودیت در رسیدگی دارند عدد صفر و در غیر اینصورت عدد یک داده می‌شود؛ این معیار یک معیار مستقیم از کامل بودن است.

• قابلیت مقایسه

برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه از مدل دی‌فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) استفاده شده است. در این مدل، دو شرکت زمانی مشابه تلقی می‌شوند که برای مجموعه‌ای از رویدادهای اقتصادی یکسان (مانند بازده)، گزارش مالی (مانند سود حسابداری) مشابهی ارائه کرده باشند. برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه بین دو شرکت i و j ، ابتدا برای هر شرکت - سال مدل رگرسیونی به شرح رابطه زیر با استفاده از داده‌های سری زمانی برای دوره چهار ساله اخیر منتهی به پایان سال t برآورد می‌شود.

$$\text{EARN}_{i,k} = \alpha_{i,t} + \beta_{i,t} \text{RET}_{i,k} + \varepsilon_{i,k}$$

$\text{EARN}_{i,k}$: سود خالص شرکت i در سال k تقسیم بر ارزش بازار سهام شرکت؛ و $\text{RET}_{i,k}$: در رابطه فوق α و β نشان‌دهنده عملیات حسابداری شرکت i و α و β معرف عملیات حسابداری شرکت j است. برای برآورد تفاوت بین عملیات حسابداری دو شرکت i و j از مفهوم قابلیت

متغیر وابسته: شفافیت محیط اطلاعاتی

در تحقیق حاضر شفافیت محیط اطلاعاتی شرکت‌ها (در بازار سهام) متغیر وابسته می‌باشد. ضمناً عدم تقارن اطلاعاتی در پرتو تئوری ذینفعان، و همزمانی قیمت سهام در پرتو تئوری مشروعیت سازمانی به‌عنوان معیارهای شفافیت محیط اطلاعاتی در نظر گرفته شده است.

◀ همزمانی قیمت سهام

برای اندازه‌گیری همزمانی قیمت سهام، ابتدا R^2 برای شرکت i در سال مالی t از مدل بسط یافته رگرسیون بازار در معادله زیر محاسبه می‌شود:

$$r_{i,k,w} = \alpha_i + \beta_i r_{m,w} + \gamma_i r_{k,w} + \epsilon_{i,k,w}$$

که در آن $r_{i,k,w}$ بیانگر بازده شرکت i در صنعت k و در هفته w است. $r_{m,w}$ بازده موزون بازار در هفته w است و $r_{k,w}$ بازده موزون صنعت k در هفته w است.

از آنجایی که R^2 در بازه صفر تا یک قرار دارد، برای بدست آوردن یک توزیع نزدیک به نرمال، مطابق تحقیق پیتروسکی و رولستون (۲۰۰۴)، مورک، یونگ و یو (۲۰۰۹) از لگاریتم طبیعی R^2 برای تعریف متغیر همزمانی قیمت استفاده می‌شود.

$$SYNCH_{i,t} = \ln(R_i^2 / (1 - R_i^2))$$

◀ عدم تقارن اطلاعاتی

عدم تقارن اطلاعاتی زمانی پدید می‌آید که اطلاعات مربوط به شرکتها به‌صورت مناسب توزیع نگردد و طرفهایی از معامله نسبت به طرفهای دیگر مزیت اطلاعاتی داشته باشند. عدم تقارن اطلاعاتی موجب کاهش کیفیت بازار سهام شرکتها و شفافیت محیط اطلاعاتی آنها خواهد شد (فتحی، بختیاری و موذنی، ۱۳۹۴). افزایش تقارن اطلاعاتی در تضاد با تئوری ذینفعان و مشروعیت سازمانی شرکتها قرار دارد.

در این تحقیق از پنج سنجه مناسب در شرایط بورس اوراق بهادار تهران شامل حجم معاملات، نوسان قیمت سهام شرکت، نسبت قیمت به سود هر سهم، تعداد روزهای معاملاتی، و عمر شرکت برای اندازه‌گیری عدم تقارن اطلاعاتی موجود بین افراد درون سازمانی و برون سازمانی شرکتها استفاده شده است. سپس مطابق با روشدرویز و همکاران (۲۰۰۹) با ترکیب پنج سنجه موردنظر، یک شاخص کلی محاسبه میشود. به منظور ساخت شاخص ترکیبی عدم تقارن اطلاعاتی (AI_INDEX)، ابتدا رتبه چارکی شرکتها برای تمام پیروکسی‌های مذکور محاسبه می‌شود، به‌طوری‌که یک رتبه بالاتر به معنی درجه بالاتر عدم تقارن اطلاعاتی است. برای مثال یک شرکت رتبه ۵ (۱)

دریافت می‌کند مشروط بر اینکه متعلق به ۲۰ درصد بیشترین (کمترین) چارک شرکتها در مورد هر سنجه عدم تقارن اطلاعاتی در یک سال مفروض باشد. سپس رتبه‌های مربوط به هر یک از پنج پیروکسی مذکور در مورد هر شرکت با یکدیگر جمع می‌شود. بنابراین بزرگترین (کوچکترین) ارزش متغیر AI_INDEX می‌تواند ۲۵ (۵) برای شرکت‌های با بیشترین (کمترین) میزان عدم تقارن اطلاعاتی باشد. سپس جهت مقیاس‌بندی، از لگاریتم طبیعی این ارقام استفاده شده است.

ج- متغیرهای کنترلی

(۱) اندازه شرکت (SIZE): برابر با لگاریتم طبیعی ارزش

دفتری دارایی‌های شرکت؛

(۲) اهرم مالی (LEV): برابر با تقسیم بدهی‌ها بر دارایی‌های

شرکت؛

(۳) سودآوری شرکت (PROF): برابر با تقسیم سود خالص به

دارایی‌های شرکت؛

(۴) سن شرکت (AGE): تفاوت بازه‌های زمانی مختلف

پژوهش و تاریخ تأسیس شرکت؛

(۵) سود سهام پرداختی شرکت (DIV): تقسیم سود سهام به

سود خالص شرکت؛

(۶) مالکیت نهادی (INOW): برابر درصد سهام نگهداری

شده توسط نهادها و شرکت‌های دولتی و عمومی از کل

سهام سرمایه است که این شرکتها شامل شرکت‌های

بیمه، صندوق‌های بازنشستگی، سرمایه‌گذاری‌ها،

مؤسسات مالی، بانکها، شرکت‌های دولتی، بنیادها و

دیگر اجزای دولت است که از افق دید بلندمدت

برخوردارند.

(۷) کیوتوبین (Qtobin): برابر است با نسبت ارزش بازار به

دفتری دارایی‌ها.

(۸) محدودیت‌های مالی (FC)

برای اندازه‌گیری محدودیت مالی از مدل تعدیل شده کاپلان و زینگالاس (۱۹۹۷) توسط کنعانی‌امیری (۱۳۸۶) به‌شرح زیر استفاده می‌شود [۱۴]:

$$KZ = -0.002605 \frac{CF}{A_{t-1}} + 4.11457 \frac{DIV}{A_{t-1}} + 2.85351 \frac{C}{A_{t-1}} + 2.22050 LEV$$

بعد از محاسبه KZ مقادیر بدست آمده پنجم بندی شده و سال-شرکت‌هایی که در پنجم چهارم و پنجم قرار بگیرند، شرکت‌های دارای محدودیت در تأمین مالی هستند.

الگوی شفافیت محیط اطلاعاتی بر اساس اهمیت نسبی خصوصیات کیفی اطلاعات مالی

در این پژوهش از شاخص ترکیبی موزون برای اندازه‌گیری شفافیت محیط اطلاعاتی استفاده شده است. برای تبیین مدل‌های پیشنهادی، ابتدا لازم است سه فرض اولیه در نظر گرفته شود: نخست اینکه برای محاسبه شفافیت محیط اطلاعاتی اصل جمع‌پذیری را پذیرفته باشیم، یعنی محیط اطلاعاتی برابر است با مجموع عوامل تأثیرگذار بر آن؛ به عبارت دیگر، عوامل با یک

قاعده‌ای با همدیگر جمع شده و شفافیت محیط اطلاعاتی را تعیین می‌کنند. مضافاً اینکه نحوه تأثیرگذاری هر یک از این عوامل بر شفافیت محیط اطلاعاتی به تناسب و نشان است که در قسمت قبل محاسبه شد (خاصیت تناسب). ثالثاً اینکه می‌پذیریم میزان تأثیرگذاری هر عامل بر شفافیت محیط اطلاعاتی به صورت نرمال شده است. این عمل به این دلیل انجام می‌شود که یک کف و سقف معنادار با یک حداقل و حداکثر برای محاسبه شفافیت محیط اطلاعاتی تعیین می‌شود. بدین ترتیب، مدل پیشنهادی زیر برای محاسبه محیط اطلاعاتی ارائه می‌شود:

$$IEI_{it} = \sum_{s \in S} W_{sit} \frac{P_{sit}}{\max_{1 \leq i \leq N} \{P_{sit}\}} + \sum_{k \in K} W_{kit} \frac{\max_{1 \leq i \leq N} \{P_{kit}\} - P_{kit}}{\max_{1 \leq i \leq N} \{ \max_{1 \leq i \leq N} \{P_{kit}\} - P_{kit} \}}$$

$IEI_{it} \leq IEI_{bt}$ شاخص سنجش محیط اطلاعاتی شرکت i در سال t می‌باشد.

قضیه (۲): همچنین برای شرکت با اندیس داریم: $0 \leq IEI_{at} \leq 1$

برهان: برای اثبات قضیه (۱) بدیهی است که اگر $P_{sat} \leq P_{sbt}$ آنگاه،

$$\frac{P_{sat}}{\max_{1 \leq i \leq N} \{P_{sit}\}} \leq \frac{P_{sbt}}{\max_{1 \leq i \leq N} \{P_{sit}\}}$$

از طرفی اگر $P_{kat} \leq P_{kbt}$ آنگاه،

$$\max_{1 \leq i \leq N} \{P_{kit}\} - P_{kat} \leq \max_{1 \leq i \leq N} \{P_{kit}\} - P_{kbt}$$

IEI_{it} : شاخص سنجش محیط اطلاعاتی شرکت i در سال t می‌باشد. N : تعداد شرکت‌ها؛ S : مجموعه اندیس عواملی است که با شفافیت محیط اطلاعاتی رابطه مستقیم دارند. K : مجموعه اندیس عواملی است که با شفافیت محیط اطلاعاتی رابطه معکوس دارند؛ W_{jit} : وزن عامل j از شرکت i در سال t ؛ مقدار عامل j از شرکت i در سال t . واضح است که اگر M تعداد کل عوامل مؤثر بر شفافیت محیط اطلاعاتی باشد آنگاه $M = |S| + |K|$ که در آن $|S|$ نمایشگر تعداد عناصر مجموعه S و $|K|$ نمایشگر تعداد عناصر مجموعه K می‌باشد.

قضیه (۱): اگر برای دو شرکت با اندیس a و b داشته باشیم: $P_{sat} \leq P_{sbt} \forall s \in S$ و

بنابراین؛

$$\frac{\max_{1 \leq i \leq N} \{P_{kit}\} - P_{kat}}{\max_{1 \leq i \leq N} \{ \max_{1 \leq i \leq N} \{P_{kit}\} - P_{kit} \}} \leq \frac{\max_{1 \leq i \leq N} \{P_{kit}\} - P_{kbt}}{\max_{1 \leq i \leq N} \{ \max_{1 \leq i \leq N} \{P_{kit}\} - P_{kit} \}}$$

و از آنجا که $W_{jat} \geq 0$ پس: $IEI_{at} \leq IEI_{bt}$

برای اثبات نامساوی دیگر داریم: $IEI_{at} \geq 0$. برای اثبات قضیه (۲) بدیهی است که

$$P_{sat} \leq \max_{1 \leq i \leq N} \{P_{sit}\} \quad \forall s \in S$$

و بنابراین؛

$$\frac{P_{sat}}{\max_{1 \leq i \leq N} \{P_{sit}\}} \leq 1$$

از طرفی

$$\max_{1 \leq i \leq N} \{P_{kit}\} - P_{kat} \leq \max_{1 \leq i \leq N} \{ \max_{1 \leq i \leq N} \{P_{kit}\} - P_{kit} \}$$

پس،

$$\frac{\max_{1 \leq i \leq N} \{P_{kit}\} - P_{kat}}{\max_{1 \leq i \leq N} \{ \max_{1 \leq i \leq N} \{P_{kit}\} - P_{kit} \}} \leq 1$$

و بنابراین،

$$IEI_{at} = \sum_{s \in S} W_{s at} \frac{P_{s at}}{\max_{1 \leq i \leq N} \{P_{s it}\}} + \sum_{k \in K} W_{k at} \frac{\max_{1 \leq i \leq N} \{P_{k it}\} - P_{k at}}{\max_{1 \leq i \leq N} \{ \max_{1 \leq i \leq N} \{P_{k it}\} - P_{k it} \}}$$

$$\leq \sum_{s \in S} W_{s at} + \sum_{k \in K} W_{k at}$$

و از آنجا که $\{1,2,3,\dots,M\}=SUK$ و همین طور $\sum_{1 \leq j \leq M} W_{j at} = 1$ داریم:

$$\sum_{s \in S} W_{s at} + \sum_{k \in K} W_{k at} = 1$$

بنابراین، $IEI_{at} \leq 1$.

تحقیق) به ترتیب با عنوان مدل‌های ۱ تا ۴ به شرح زیر تدوین شده است:

مدل ۱:

$$IE - Index_{1it} = 0.111 P_1 + 0.042 P_2 + 0.076 P_3 + 0.044 P_4 + 0.048 P_5 + 0.073 P_6 + 0.331 P_7 + 0.058 P_8 + 0.083 P_9 + 0.075 P_{10} + 0.059 P_{11}$$

مدل ۲:

$$IE - Index_{2it} = 0.095 P_1 + 0.105 P_2 + 0.080 P_3 + 0.077 P_4 + 0.100 P_5 + 0.081 P_6 + 0.125 P_7 + 0.135 P_8 + 0.078 P_9 + 0.063 P_{10} + 0.061 P_{11}$$

مدل ۳:

$$IE - Index_{3it} = 0.035 P_1 + 0.072 P_2 + 0.208 P_3 + 0.018 P_4 + 0.038 P_5 + 0.061 P_6 + 0.292 P_7 + 0.026 P_8 + 0.063 P_9 + 0.074 P_{10} + 0.113 P_{11}$$

مدل ۴:

$$IE - Index_{4it} = 0.039 P_1 + 0.091 P_2 + 0.208 P_3 + 0.035 P_4 + 0.045 P_5 + 0.060 P_6 + 0.162 P_7 + 0.106 P_8 + 0.062 P_9 + 0.051 P_{10} + 0.141 P_{11}$$

P_i عامل استاندارد شده معیارهای محاسبه شفافیت محیط اطلاعاتی می‌باشد.

یافته‌های پژوهش

در جدول ۱ زیر آمار جمعیت‌شناختی خبرگان نشان داده شده است. در این پژوهش، جمعاً از ۱۴۰ نفر از خبرگان سراسر کشور در چهار گروه (هر گروه ۳۵ نفر) نظرخواهی شده است.

سپس برای ارائه نمای کلی از ویژگی‌های مهم متغیرهای مورد استفاده در سنجش شفافیت محیط اطلاعاتی شرکت‌ها، در جدول ۲، آمار توصیفی این متغیرها ارائه شده است.

با توجه به ماهیت متغیرهای دو وجهی، در جدول ۳ نیز توزیع فراوانی این متغیرها ارائه شده است.

همچنین، در جدول ۴ زیر آمار توصیفی متغیر شفافیت محیط اطلاعاتی بر اساس مدل‌های ۱ تا ۴ به صورت جداگانه نشان داده می‌شود.

ملاحظات: قضیه (۱) نشان‌دهنده‌ی آن است که شفافیت محیط اطلاعاتی خاصیت یکنوایی دارد، یعنی برای هر شرکت با عوامل ترتیبی، شفافیت محیط اطلاعاتی بر اساس ترتیب عوامل مرتب می‌شود. این خاصیت مقایسه‌پذیری دو شرکت بر اساس عوامل شفافیت محیط اطلاعاتی را توجیه می‌کند. قضیه (۲) نشان می‌دهد که شفافیت محیط اطلاعاتی در مدل پیشنهادی کراندار است و برای ارزیابی یک جامعه شامل شرکت‌ها، قابل اتکاء می‌باشد. همچنین در فرایند تدوین الگوی تحقیق، بر اساس نظرات خبرگان، متغیرهای پژوهش (خصوصیات کیفی اطلاعات مالی) با استفاده از روش آنتروپی شانون رتبه‌بندی شده است. جهت ارایه پاسخ به سوالات اول تا چهارم تحقیق، الگوهای سنجش شفافیت محیط اطلاعاتی از دیدگاه انواع خبرگان موردنظر در این بخش تدوین شده است. نتایج مربوط به رتبه‌بندی متغیرها بر اساس نظرات چهار طیف خبرگان بیان‌گر این بوده است که از نظر اعضای هیئت علمی برای محاسبه شفافیت محیط اطلاعاتی، ویژگی کیفی «احتیاط» دارای بیشترین وزن و ویژگی «ارزش تاییدکنندگی» دارای کمترین وزن است. از نظر مدیران حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی برای محاسبه شفافیت محیط اطلاعاتی، ویژگی کیفی «کامل بودن» دارای بیشترین وزن و ویژگی «قابل فهم بودن» دارای کمترین وزن است. همچنین، از نظر مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره شرکت‌ها برای محاسبه شفافیت محیط اطلاعاتی، ویژگی کیفی «احتیاط» دارای بیشترین وزن و ویژگی «به موقع بودن» دارای کمترین وزن است. از نظر تحلیل‌گران شرکت‌های سرمایه‌گذاری، برای محاسبه شفافیت محیط اطلاعاتی ویژگی کیفی «انتخاب خاصه» دارای بیشترین وزن و ویژگی «به موقع بودن» دارای کمترین وزن است. با توجه به نتایج حاصل از رتبه‌بندی خصوصیات کیفی موردنظر، مدل نهائی اندازه‌گیری شاخص محیط اطلاعاتی به تفکیک نظرات اعضای هیئت علمی (سوال اول تحقیق)، مدیران حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی (سوال دوم تحقیق)، مدیران عامل و اعضای هیئت مدیره شرکت (سوال سوم تحقیق)، و تحلیل‌گران شرکت‌های سرمایه‌گذاری (سوال چهارم

جدول ۱. آمار جمعیت شناختی خبرگان مشارکت کننده

متغیر	گزینه های متغیر	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۱۲۰	۸۵/۷۱
	زن	۲۰	۱۴/۲۹
سن	۲۰ تا ۳۰ سال	۴	۲/۸۶
	۳۱ تا ۴۰ سال	۶۹	۴۹/۲۹
	۴۱ تا ۵۰ سال	۵۲	۳۷/۱۴
	۵۱ سال و بیشتر	۱۵	۱۰/۷۱
طیف خبرگان	اعضای هیئت علمی	۳۵	۲۵
	اعضای جامعه حسابداران رسمی	۳۵	۲۵
	مدیرعامل و هیئت مدیره شرکت	۳۵	۲۵
	تحلیل گران شرکت های سرمایه گذاری	۳۵	۲۵

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	بیشترین	کمترین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	مشاهدات
ارزش پیش بینی کنندگی	۰/۰۷۶	۰/۷۹۷	۰/۰۰۰۱	۰/۰۸۳	۳/۰۴۳	۱۵/۰۷۳	۸۷۵
ارزش تایید کنندگی	۰/۱۱۹	۱/۰۲۵	۰/۰۰۰۱	۰/۱۴۹	۲/۲۶۱	۶/۳۱۶	۸۷۵
به موقع بودن	۰/۰۱۶	۰/۰۵۶	۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۷	۱/۶۰۸	۴/۱۴۲	۸۷۵
بیان صادقانه	۰/۰۴۷	۰/۳۶۶	۰/۰۰۰۱	۰/۰۴۳	۲/۴۱۲	۹/۲۷۸	۸۷۵
احتیاط	۰/۴۰۱	۱/۴۸۶	۰/۰۰۰۱	۰/۲۰۲	۰/۷۷۷	۱/۰۲۶	۸۷۵
قابلیت مقایسه	۰/۰۷۱	۰/۴۷۳	۰/۰۰۰۱	۰/۰۶۸	۱/۷۷۵	۳/۹۷۱	۸۷۵
محتوای اطلاعاتی	۰/۹۸۹	۱۳/۴۷۱	۰/۰۰۰۱	۱/۲۸۷	۴/۴۸۷	۲۹/۵۹۶	۸۷۵
قابل فهم بودن	۰/۰۲۳	۰/۰۴۱۷	۰/۰۰۹۸	۰/۰۰۵	۰/۲۳۴	۰/۰۸۱	۸۷۵
عدم تقارن اطلاعاتی	۰/۶۲۵	۱	۰/۲۸۰	۰/۱۲۴	-۰/۰۴۸	-۰/۴۱۳	۸۷۵
همزمانی قیمت سهام	-۰/۵۸۲	-۰/۱۰۶	-۰/۹۵۹	۰/۱۴۶	-۰/۲۶۹	۰/۱۰۳	۸۷۵
اندازه شرکت	۱۴/۱۶۲	۱۹/۳۷۴	۱/۵۰۵	۱/۵۳۴	۱/۰۲۱	۱/۳۳۴	۸۷۵
اهرم مالی	۰/۶۰۱	۴/۰۰۳	۰/۰۹۰	۰/۲۵۲	۳/۴۸۳	۴۰/۹۶۲	۸۷۵
سودآوری	۰/۱۱۱	۰/۶۳۱	-۱/۰۶۳	۰/۱۵۰	-۰/۴۹۴	۶/۹۳۱	۸۷۵
سن شرکت	۳/۱۱۶	۴/۱۱۱	۱/۳۸۶	۰/۵۵۴	-۰/۱۶۲	-۰/۵۸۴	۸۷۵
سود سهام پرداختی	۰/۰۴۶	۰/۰۹۸	۰	۰/۰۳۲	۲/۰۳۱	۷/۲۷۴	۸۷۵
مالکیت نهادی	۰/۷۵۳	۰/۹۹۵	۰/۰۹۱	۰/۱۶۷	-۰/۹۷۹	۰/۷۵۶	۸۷۵
فرصت های رشد	۱/۶۸۷	۶/۵۲۸	۰/۵۸۴	۰/۷۳۰	۱/۹۲۴	۵/۵۱۰	۸۷۵
محدودیت های مالی	۲/۰۴۴	۷/۶۲۴	۰/۳۱۱	۰/۷۵۴	۱/۴۳۰	۶/۰۳۳	۸۷۵

جدول ۳. توزیع فراوانی متغیرهای دو وجهی تحقیق

متغیر	فراوانی	درصد
انتخاب خاصه	شرکت هایی که انتخاب خاصه را رعایت کرده اند.	۸۵۹
	شرکت هایی که انتخاب خاصه را رعایت نکرده اند.	۱۶
بی طرفی	شرکت های دارای بی طرفی کامل	۳۷۸
	شرکت های دارای عدم بی طرفی	۴۹۹
کامل بودن	شرکت هایی که اطلاعات آنها کامل است.	۶۱۲
	شرکت هایی که اطلاعات آنها کامل نیست.	۲۶۳
مجموع	۸۷۵	۱۰۰

جدول ۴. آمار توصیفی متغیر «شفافیت محیط اطلاعاتی» بر اساس مدل‌های ۱ تا ۴

مدل	میانگین	بیشترین	کمترین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	تعداد
۱	۰/۳۹۳۲	۰/۷۷۰۳	۰/۱۱۱۵	۰/۰۹۲۰	۰/۱۶۹	۰/۱۴۸	۸۷۵
۲	۰/۴۰۱۷	۰/۶۹۸۷	۰/۱۰۰۸	۰/۱۰۰۴	-۰/۲۰۷	-۰/۳۱۹	۸۷۵
۳	۰/۴۹۰۸	۰/۷۹۲۳	۰/۱۰۵۱	۰/۰۸۴۳	-۰/۲۵۸	۱/۲۹۹	۸۷۵
۴	۰/۵۱۹۰	۰/۷۵۶۳	۰/۱۰۳۱	۰/۰۹۰۳	-۰/۶۹۲	۱/۳۹۷	۸۷۵

$$SYNCH_{jit} = B_0 + B_1(IE - Index_{jit}) + B_2(SIZE_{it}) + B_3(LEV_{it}) + B_4(PROF_{it}) + B_5(AGE_{it}) + B_6(DIV_{it}) + B_7(DA_{it}) + B_8(INOW_{it}) + B_9(MTB_{it}) + B_{10}(FC_{it}) + e_{it}$$

$j=1,2,\dots,5$

که در آن AI و SYNCH به ترتیب نشان‌دهنده «عدم تقارن اطلاعاتی» و «همزمانی قیمت سهام» است. مدل مناسب را با استفاده از آزمون‌های F لیمر (چاو) و هاسمن انتخاب کرده و سپس مفروضه‌های مدل انتخابی شامل صفر بودن میانگین خطاها، ناهمسانی واریانس خطاها، خودهمبستگی خطاها، عدم همبستگی بین خطاها و متغیرهای توضیحی، و نرمال بودن توزیع خطاها را بررسی نموده‌ایم. یافته‌های مربوط به سوالات پنج و ششم تحقیق به ترتیب در جداول ۵ و ۶ زیر ارایه شده است.

یافته‌های مربوط به سوالات پنجم و ششم

به منظور یافتن پاسخ‌های مناسب برای سوالات پنجم و ششم تحقیق و برای اعتبارسنجی مقادیر بدست آمده برای متغیر «شفافیت محیط اطلاعاتی» بر اساس مدل‌های ۱ تا ۴ فوق، تاثیر این متغیر را به صورت مجزا بر روی متغیرهای «عدم تقارن اطلاعاتی» و «همزمانی قیمت سهام» با حضور متغیرهای کنترلی به صورت زیر بررسی می‌کنیم.

مدل ۵:

$$AI_{jit} = B_0 + B_1(IE - Index_{jit}) + B_2(SIZE_{it}) + B_3(LEV_{it}) + B_4(PROF_{it}) + B_5(AGE_{it}) + B_6(DIV_{it}) + B_7(DA_{it}) + B_8(INOW_{it}) + B_9(MTB_{it}) + B_{10}(FC_{it}) + e_{it}$$

$j=1,2,\dots,5$

مدل ۶:

جدول ۵. نتایج آزمون GLS در بررسی تاثیر «شفافیت محیط اطلاعاتی بر عدم تقارن اطلاعاتی»

متغیر	مدل اول		مدل دوم		مدل سوم		مدل چهارم	
	احتمال	ضریب	احتمال	ضریب	احتمال	ضریب	احتمال	ضریب
مقدار ثابت	۰/۰۰۰	۲۸/۹۴۰	۰/۰۰۰	۲۹/۰۱۰	۰/۰۰۰	۲۹/۳۳۶	۰/۰۰۰	۲۹/۳۶۶
شفافیت محیط اطلاعاتی	۰/۰۰۰	-۲/۷۲۷	۰/۰۰۳	-۲/۰۱۷	۰/۰۰۰	-۲/۹۰۲	۰/۰۰۰	-۲/۰۲۸
اندازه شرکت	۰/۰۰۰	-۰/۵۷۴	۰/۰۰۰	-۰/۵۹۵	۰/۰۰۰	-۰/۵۷۴	۰/۰۰۰	-۰/۵۹۸
اهرم مالی	۰/۱۱۵	۰/۷۱۸	۰/۱۹۸	۰/۵۸۸	۰/۱۳۲	۰/۶۸۳	۰/۱۳۲	۰/۵۴۸
سودآوری شرکت	۰/۱۲۳	-۱/۱۷۹	۰/۰۴۵	-۱/۵۴۳	۰/۱۱۲	-۱/۲۱۷	۰/۱۱۲	-۱/۶۴۳
سن شرکت	۰/۰۰۰	-۲/۰۸۲	۰/۰۰۰	-۲/۱۲۰	۰/۰۰۰	-۲/۰۹۳	۰/۰۰۰	-۲/۱۳۱
سود سهام پرداختی	۰/۰۰۰	۰/۰۳۹	۰/۰۰۰	۰/۰۳۹	۰/۰۰۰	۰/۰۳۹	۰/۰۰۰	۰/۰۳۹
مالکیت نهادی	۰/۰۰۰	۳/۱۹۳	۰/۰۰۰	۳/۳۶۱	۰/۰۰۰	۳/۲۴۶	۰/۰۰۰	۳/۴۰۰
فرصت‌های رشد	۰/۷۹۷	-۰/۰۲۶	۰/۰۰۷	۰/۹۴۳	۰/۷۴۱	-۰/۰۳۳	۰/۷۴۱	-۰/۰۰۲
محدودیت‌های مالی	۰/۰۵۲	-۰/۱۸۵	۰/۰۷۸	-۰/۱۶۹	۰/۰۵۰	-۰/۱۸۸	۰/۰۵۰	-۰/۱۷۳
آماره والد و سطح معناداری	احتمال	آماره والد	احتمال	آماره والد	احتمال	آماره والد	احتمال	آماره والد
	۰/۰۰۰	۳۷۲/۲۴	۰/۰۰۰	۳۷۳/۷۶	۰/۰۰۰	۳۶۷/۲۶	۰/۰۰۰	۳۷۳/۴۰
آزمون والد تعدیل شده	Sig	آماره	Sig	آماره	Sig	آماره	Sig	آماره
	۰/۰۰۰	۲۵۵۶/۳۰	۰/۰۰۰	۲۶۶۷/۴۶	۰/۰۰۰	۲۵۴۴/۷۹	۰/۰۰۰	۲۶۶۹/۵۴
آزمون وولدریج	Sig	F	Sig	F	Sig	F	Sig	F
	۰/۰۰۰	۴۰/۴۴	۰/۰۰۰	۳۹/۲۶	۰/۰۰۰	۴۱/۶۰	۰/۰۰۰	۴۱/۴۴
آزمون چاو	احتمال	آماره	احتمال	آماره	احتمال	آماره	احتمال	آماره
	۰/۰۰۰	۶/۱۹	۰/۰۰۰	۶/۲۶	۰/۰۰۰	۶/۱۹	۰/۰۰۰	۶/۲۱
آزمون هاسمن	احتمال	آماره	احتمال	آماره	احتمال	آماره	احتمال	آماره

متغیر	مدل اول		مدل دوم		مدل سوم		مدل چهارم	
	احتمال	ضریب	احتمال	ضریب	احتمال	ضریب	احتمال	ضریب
	۰/۰۰۰	۶۷/۴۶	۰/۰۰۰	۹۰/۴۲	۰/۰۰۰	۵۵/۶۰	۰/۰۰۰	۹۷/۶۷
	Sig	آماره	Sig	آماره	Sig	آماره	Sig	آماره
آزمون کولموگروف-اسمینوف	۰/۷۳۰	۰/۶۶۱	۰/۹۱۶	۰/۳۷۱	۰/۶۷۴	۰/۷۵۴	۰/۸۳۲	۰/۴۹۲

رگرسیون با اثرات ثابت

جدول ۶. نتایج آزمون GLS در بررسی تاثیر «شفافیت محیط اطلاعاتی بر همزمانی قیمت سهام

متغیر	مدل اول		مدل دوم		مدل سوم		مدل چهارم	
	احتمال	ضریب	احتمال	ضریب	احتمال	ضریب	احتمال	ضریب
مقدار ثابت	۰/۰۰۰	-۰/۶۸۶	۰/۰۰۰	-۰/۶۶۷	۰/۰۰۰	-۰/۶۳۰	۰/۰۰۰	-۰/۶۰۶
شفافیت محیط اطلاعاتی	۰/۰۰۲	-۰/۱۴۷	۰/۰۰۰	-۰/۱۷۴	۰/۰۰۰	-۰/۲۳۷	۰/۰۰۰	-۰/۲۴۳
اندازه شرکت	۰/۰۰۷	۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۰۱۶	۰/۰۰۸	۰/۰۱۰	۰/۰۰۷
اهرم مالی	۰/۵۱۴	-۰/۰۲۰	۰/۴۹۶	-۰/۰۲۰	۰/۵۷۵	-۰/۰۱۷	۰/۵۷۱	-۰/۰۱۷
سودآوری شرکت	۰/۶۶۱	-۰/۰۲۱	۰/۷۵۶	-۰/۰۱۵	۰/۹۷۶	۰/۰۰۲	۰/۹۶۷	-۰/۰۰۲
سن شرکت	۰/۰۲۱	۰/۰۱۷	۰/۰۳۴	۰/۰۱۶	۰/۰۱۵	۰/۰۱۸	۰/۰۳۱	۰/۰۱۶
سود سهام پرداختی	۰/۳۰۲	-۰/۰۰۱	۰/۳۵۷	-۰/۰۰۱	۰/۲۷۱	-۰/۰۰۱	۰/۳۴۵	-۰/۰۰۱
مالکیت نهادی	۰/۸۵۹	-۰/۰۰۴	۰/۹۹۷	-۰/۰۰۱	۰/۸۹۷	-۰/۰۰۳	۰/۹۶۹	۰/۰۰۱
فرصت‌های رشد	۰/۰۶۲	۰/۰۱۱	۰/۰۴۶	۰/۰۱۲	۰/۰۷۲	۰/۰۱۱	۰/۰۴۱	۰/۰۱۲
محدودیت‌های مالی	۰/۵۲۳	-۰/۰۰۵	۰/۶۹۵	-۰/۰۰۳	۰/۵۱۸	-۰/۰۰۵	۰/۵۹۵	-۰/۰۰۴
آماره والد و سطح معناداری	احتمال	آماره والد	احتمال	آماره والد	احتمال	آماره والد	احتمال	آماره والد
	۰/۰۰۰	۳۶/۸۶	۰/۰۰۰	۴۱/۵۹	۰/۰۰۰	۴۶/۹۴	۰/۰۰۰	۴۸/۹۵
آزمون ویگینز و پوی	آماره	۱۷۷/۲۶	Sig	آماره	Sig	آماره	Sig	آماره
	۰/۰۰۱	۱۷۴/۴۲	۰/۰۰۲	۱۶۸/۹۱	۰/۰۰۵	۱۶۸/۲۴	۰/۰۰۵	۱۶۸/۲۴
آزمون وولدریج	Sig	F	Sig	F	Sig	F	Sig	F
	۰/۷۳۶	۰/۳۹۳	۰/۶۸۱	۰/۴۱۱	۰/۴۲۶	۰/۵۷۲	۰/۴۵۱	۰/۵۷۲
آزمون چاو	آماره	۲/۳۸	احتمال	آماره	احتمال	آماره	احتمال	آماره
	۰/۰۰۰	۲/۳۷	۰/۰۰۰	۲/۳۳	۰/۰۰۰	۲/۳۵	۰/۰۰۰	۲/۳۵
آزمون هاسمن	آماره	۶/۷۱	احتمال	آماره	احتمال	آماره	احتمال	آماره
	۰/۷۵۲	۶/۶۱	۰/۷۶۲	۶/۰۳	۰/۸۱۲	۶/۱۲	۰/۸۰۵	۶/۱۲
آزمون کولموگروف-اسمینوف	آماره	۰/۵۰۱	Sig	آماره	Sig	آماره	Sig	آماره
	۰/۹۶۳	۱/۱۹۲	۰/۱۱۶	۰/۷۲۹	۰/۶۶۲	۱/۱۹۶	۰/۱۱۵	۱/۱۹۶

رگرسیون با اثرات تصادفی

برای تمامی مدل‌ها بزرگتر از ۰/۰۵ است ($Sig > 0/05$)؛ لذا مدل مورد استفاده برای بررسی تاثیر «شفافیت محیط اطلاعاتی» محاسبه شده توسط مدل‌های ۱ تا ۴ بر «همزمانی قیمت سهام» مدل رگرسیون پانلی با اثرات تصادفی خواهد بود. همچنین با توجه به جدول ۵، چون مقدار احتمال مربوط به آزمون هاسمن برای تمامی مدل‌ها کوچکتر از ۰/۰۵ است ($Sig < 0/05$)؛ لذا مدل مورد استفاده برای بررسی تاثیر «شفافیت محیط اطلاعاتی» محاسبه شده توسط مدل‌های ۱ تا ۴ بر «عدم تقارن اطلاعاتی»، مدل رگرسیون پانلی با اثرات ثابت خواهد بود. در ادامه، اقدام به

بر اساس یافته‌های ارائه شده در جداول ۵ و ۶، چون مقدار احتمال (Sig) مربوط به آماره F مدل‌های اول تا چهارم برای متغیرهای وابسته کوچکتر از ۰/۰۵ است و همچنین مقادیر احتمال آماره‌ی لیمر (چاو) آن‌ها نیز کوچکتر از ۰/۰۵ است؛ لذا با اطمینان ۹۹ درصد، جهت بررسی تاثیر «شفافیت محیط اطلاعاتی» محاسبه شده توسط مدل‌های ۱ تا ۴ بر «عدم تقارن اطلاعاتی» و «همزمانی قیمت سهام» بایستی از روش رگرسیون پانلی استفاده کرد. همچنین، چون مقدار احتمال مربوط به آزمون هاسمن مربوط به متغیر وابسته همزمانی قیمت سهام

«شفافیت محیط اطلاعاتی» به صورت دو به دو در چهار مدل، از آزمون پترنوستر استفاده شده است.

جدول ۷. نتایج آزمون پترنوستر برای مقایسه دو به دو مدل‌ها با متغیر وابسته «عدم تقارن اطلاعاتی»

مقایسه مدل‌های	آماره پترنوستر	Sig
۱ و ۲	-۳/۰۴۴	۰/۰۰۲
۱ و ۳	-۲/۱۸	۰/۰۳۰
۱ و ۴	-۲/۷۰۳	۰/۰۰۷
۲ و ۳	۰/۵۰۷	۰/۶۱۳
۲ و ۴	۰/۰۱۴	۰/۹۸۸
۳ و ۴	-۰/۴۵۴	۰/۶۵۰

با توجه به نتایج جدول فوق، در مقایسه ضریب شفافیت محیط اطلاعاتی مدل ۱ با مدل‌های ۲، ۳ و ۴، مقادیر Sig آزمون پترنوستر به ترتیب برابر با ۰/۰۰۲، ۰/۰۳۰ و ۰/۰۰۷ بوده که این مقادیر کوچکتر از ۰/۰۵ هستند ولی در مقایسه ضریب «شفافیت محیط اطلاعاتی» بقیه مدل‌ها با یکدیگر، مقدار Sig این آزمون بزرگتر از ۰/۰۵ است؛ با توجه به این نتایج و با توجه به اینکه قدرمطلق ضریب «شفافیت محیط اطلاعاتی» در مدل ۱ بزرگتر از قدرمطلق این ضریب در بقیه مدل‌ها است، لذا زمانی که متغیر وابسته مدل «عدم تقارن اطلاعاتی» باشد، محاسبه «شفافیت محیط اطلاعاتی» بر اساس دیدگاه اعضای هیات علمی (مدل ۱) قوی‌تر از بقیه مدل‌ها است.

نهایتاً جهت ارائه پاسخ به سوال ششم تحقیق، یافته‌های جدول ۶ نشان می‌دهد که تأثیر «شفافیت محیط اطلاعاتی» محاسبه شده بر اساس مدل‌های ۱ تا ۴ بر «همزمانی قیمت سهام» به ترتیب برابر با ۰/۱۴۷، ۰/۱۷۴، ۰/۲۳۷ و ۰/۳۹۳- و مقدار Sig آن‌ها کوچکتر از ۰/۰۵ است. چون تأثیر «شفافیت محیط اطلاعاتی» محاسبه شده بر اساس این مدل‌ها بر همزمانی قیمت سهام منفی و معنادار است، لذا مقادیر محاسبه شده در پرتو تئوری مشروعیت سازمانی برای «شفافیت محیط اطلاعاتی» توسط این ۴ مدل از اعتبار کافی برخوردار است. همچنین، برای بررسی معنی‌داری تفاوت ضریب شفافیت محیط اطلاعاتی به صورت دو به دو در چهار مدل، از آزمون پترنوستر استفاده شده است.

انجام آزمون‌های مربوط به ناهمسانی واریانس خطاها و خودهمبستگی خطاها (دو تا از فروض کلاسیک رگرسیون) شده است. برای آزمون ناهمسانی واریانس خطاها در مدل‌های دارای الگوی اثرات ثابت از آزمون والد تعدیل شده، در مدل‌های دارای الگوی اثرات تصادفی از مدل ویگینز و پوی و در مدل‌های دارای اثرات مشترک از آزمون وایت استفاده شده است. همچنین برای آزمون خودهمبستگی خطاها در مدل‌های رگرسیونی پانلی با اثرات ثابت و تصادفی از آزمون وولدریچ و در مدل‌های دارای اثرات مشترک از آزمون دوربین- واتسون استفاده شده است (افلاطونی، ۱۳۹۷).

با بررسی نتایج مربوط به متغیرهای وابسته عدم تقارن اطلاعاتی و همزمانی قیمت سهام متوجه می‌شویم که در بررسی تأثیر «شفافیت محیط اطلاعاتی» محاسبه شده توسط مدل‌های ۱ تا ۴ بر این متغیرها فرض صفر آزمون ناهمسانی واریانس‌ها مبنی بر عدم وجود ناهمسانی واریانس‌ها رد می‌شود، زیرا مقدار احتمال (Sig) مربوط به آماره‌های ویگینز، پوی و والد تعدیل شده کمتر از ۰/۰۵ است. آزمون خودهمبستگی مدل‌ها با استفاده از آزمون‌های وولدریچ و دوربین- واتسون انجام شد که نتایج نشان می‌دهد تمامی مدل‌ها مشکل خودهمبستگی دارند، زیرا مقدار احتمال (Sig) آماره وولدریچ کمتر از ۰/۰۵ بوده ولی مقدار آماره دوربین- واتسون در جدول ۶ بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد، بنابراین برای رفع ناهمسانی واریانس در جمله خطا، جهت بررسی تأثیر شفافیت محیط اطلاعاتی محاسبه شده توسط مدل‌های ۱ تا ۴ بر همزمانی قیمت سهام از مدل رگرسیون با رویکرد حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) و اعمال گزینه Panels(h) و برای رفع همزمان ناهمسانی واریانس و خود همبستگی سریالی در جمله خطا، جهت بررسی تأثیر شفافیت محیط اطلاعاتی در توسط مدل‌های ۱ تا ۴ بر «عدم تقارن اطلاعاتی» از مدل رگرسیون با رویکرد حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) و اعمال گزینه‌های Panels(h)، rho(tscorr)، corr(psar1) و rho force استفاده شده است (افلاطونی، ۱۳۹۷).

جهت ارائه پاسخ به سوال پنجم تحقیق، یافته‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که تأثیر شفافیت محیط اطلاعاتی محاسبه شده بر اساس مدل‌های ۱ تا ۴ بر «عدم تقارن اطلاعاتی» به ترتیب برابر با ۰/۷۲۷، ۰/۱۰۷، ۰/۹۰۲، ۰/۲۰۲ و مقدار Sig آن‌ها کوچکتر از ۰/۰۵ است. چون تأثیر شفافیت محیط اطلاعاتی محاسبه شده بر اساس این مدل‌ها بر عدم تقارن اطلاعاتی منفی و معنادار است، لذا مقادیر محاسبه شده در پرتو تئوری ذینفعان برای «شفافیت محیط اطلاعاتی» توسط این ۴ مدل از اعتبار کافی برخوردار است. ضمناً برای بررسی معنی‌داری تفاوت ضریب

جدول ۸. نتایج آزمون پترنوستر برای مقایسه دو به دوی

مدل‌ها با متغیر وابسته «همزمانی قیمت سهام»

مقایسه مدل‌های	آماره‌ی پترنوستر	Sig
۱ و ۲	۰/۴۱۵	۰/۶۷۸
۱ و ۳	۱/۲۵۷	۰/۲۰۹
۱ و ۴	۳/۵۱۰	۰/۰۰۱
۲ و ۳	۰/۸۹۶	۰/۳۷۰
۲ و ۴	۳/۱۸۵	۰/۰۰۲
۳ و ۴	۲/۰۸۱	۰/۰۳۸

با توجه به نتایج جدول فوق، در مقایسه ضریب شفافیت محیط اطلاعاتی مدل ۴ با مدل‌های ۱، ۲ و ۳ مقادیر Sig آزمون پترنوستر به ترتیب برابر با ۰/۰۰۱، ۰/۰۰۲ و ۰/۰۳۸ بوده که این مقادیر کوچکتر از ۰/۰۵ هستند ولی در مقایسه ضریب شفافیت محیط اطلاعاتی بقیه مدل‌ها با یکدیگر، مقدار Sig این آزمون بزرگتر از ۰/۰۵ است. با توجه به این نتایج و با توجه به اینکه قدرمطلق ضریب شفافیت محیط اطلاعاتی در مدل ۴ (۰/۳۹۳) بزرگتر از قدرمطلق این ضریب در بقیه مدل‌ها است، لذا زمانی که متغیر وابسته مدل «همزمانی قیمت سهام» باشد، محاسبه شفافیت محیط اطلاعاتی بر اساس دیدگاه تحلیل‌گران شرکت‌های سرمایه‌گذاری (مدل ۴) قوی‌تر از بقیه مدل‌ها است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در ادبیات مالی تعاریف و روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری شفافیت اطلاعاتی بازار سهام ارائه شده است و تقریباً اجماع مشخصی در این ارتباط وجود ندارد. در تحقیق حاضر الگوهای اندازه‌گیری شفافیت اطلاعاتی بازار سهام با استفاده از خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری مبتنی بر دیدگاه‌های مختلف در ایران طراحی، تحلیل و مقایسه شده است. بدین منظور، ابتدا برای نخستین گام در ادبیات مالی، مفهوم شفافیت محیط اطلاعاتی در پرتو نظریه‌های اقتصاد سیاسی، شامل مفهوم عدم تقارن اطلاعاتی (در پرتو نظریه دینفعان) و مفهوم همزمانی قیمت سهام (در پرتو نظریه مشروعیت سازمانی) تعریف شده است، و حمایت و توسعه تئوریک مناسبی نیز برای آنها فراهم شده است، زیرا این تئوری‌ها تأیید می‌کنند که کدام متغیرها می‌توانند نقش شرکتها را از طریق اندازه‌گیری شفافیت محیط اطلاعاتی آنها در میزان رعایت منافع دینفعان و همچنین تحقق مشروعیت سازمانی مطلوب نشان دهند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که اولاً- تمامی الگوهای مورد بررسی تحقیق توانسته است تبیین قابل قبولی از اهمیت نسبی خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری در اندازه‌گیری شفافیت محیط اطلاعاتی در پرتو

تئوری‌های دینفعان و مشروعیت سازمانی را فراهم نماید؛ این بدین معنی است که (۱) گروه‌هایی که به‌عنوان خبرگان تحقیق در نظر گرفته شده است توانسته‌اند دیدگاه‌هایی دقیق و علمی درباره خصوصیات کیفی موثر در شفافیت محیط اطلاعاتی شرکتها و تعیین وزن هر یک از آنها فراهم نمایند، زیرا الگوهای تدوین شده بر اساس این دیدگاه‌ها معتبر و دارای قابلیت تأیید تجربی هستند؛ (۲) تئوری دینفعان و تئوری مشروعیت سازمانی از قابلیت تعیین عوامل موثر بر شفافیت محیط اطلاعاتی و حمایت نظری مناسب برای ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی موثر بر شفافیت محیط اطلاعاتی برخوردار می‌باشند؛ و (۳) متغیرهایی که بر پایه تئوری‌های دینفعان (عدم تقارن اطلاعاتی) و مشروعیت سازمانی (همزمانی قیمت سهام) برای اندازه‌گیری شفافیت محیط اطلاعاتی انتخاب شده است، از پشتوانه تجربی مناسبی برخوردار هستند، زیرا مفهوم اولیه نظریه اقتصاد سیاسی، یعنی چگونگی روابط اجتماعی، به‌ویژه روابط قدرت که شامل روابط متقابل بین بخش‌های تولید، توزیع و مصرف منابع اطلاعاتی است، از طریق این متغیرها تحقق یافته و تأیید شده است. ثانیاً- مقایسه انواع الگوهای موردنظر نشان می‌دهد که در صورتی که در پرتو تئوری مشروعیت سازمانی، از همزمانی قیمت سهام به‌عنوان شفافیت محیط اطلاعاتی استفاده کنیم، الگوی مبتنی بر نظرات تحلیل‌گران شرکت‌های سرمایه‌گذاری قوی‌تر از سایر الگوها است. در این الگو ویژگی کیفی انتخاب خاصه دارای بالاترین ضریب بوده و نقش اصلی را در تبیین شفافیت محیط اطلاعاتی دارد. این بدین معنی است که تحلیل‌گران مالی بر اندازه‌گیری صحیح ارقام صورتهای مالی تأکید داشته و بر واقعی بودن ارقام وارده به بازار توجه می‌کنند و مشروعیت سازمانی شرکتها را در راستای انعکاس ارقام حسابداری واقعی مبتنی بر خاصه‌های مناسب قرار می‌دهند. همچنین، در صورتی که در پرتو تئوری دینفعان از متغیر عدم تقارن اطلاعاتی به‌عنوان معیار شفافیت محیط اطلاعاتی استفاده کنیم، الگوی مبتنی بر دیدگاه اعضای هیات‌علمی دانشگاه‌ها قوی‌تر از سایر الگوهای مورد بررسی می‌باشد؛ در این الگو ویژگی کیفی احتیاط دارای بالاترین ضریب بوده و نقش اصلی را در تبیین شفافیت محیط اطلاعاتی دارد.

این نتیجه بیانگر این است که اعضای هیات علمی خرد نگر بوده و عمدتاً بر تأمین منافع سرمایه‌گذاران و دینفعان شرکتها توجه می‌کنند و خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری را در راستای میزان حقیقی و محتاطانه بودن اطلاعات شرکتها وزن دهی می‌کنند و کمترین وزن را نیز به ویژگی کیفی ارزش تأییدکنندگی داده‌اند. بطورکلی، ضرایب حاصل از آزمون‌های انجام شده نشان می‌دهند که الگوهای مبتنی بر تئوری دینفعان

- گزارشگری مالی، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۵(۲۰): صص ۴-۱۷.
- * خالقی، ابوالفتح، میرزایی منفرد، غلامعلی، (۱۳۹۷)، تحلیل حقوقی شفافیت اطلاعاتی نهادهای عمومی، فصلنامه بورس اوراق بهادار، دوره ۱۱(۴۱): صص ۶۸-۹۸.
- * خوش خلق، ایرج. و کیلی فرد، حمیدرضا، (۱۴۰۰). تبیین اثر ابعاد سیاسی و اخلاقی رفتارهای مدیریتی بر سطح افشای ریسک در گزارشگری مالی سالانه در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال دهم، شماره ۳۸؛ صص ۳۰۱-۳۱۴.
- * دارابی، رویا. وقفی، سیدحسام. سلمانیان، مریم (۱۳۹۵)، بررسی ارتباط گزارشگری مسئولیت اجتماعی با ارزش و ریسک شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، جلد ۱، شماره ۲؛ صص ۱۹۳-۲۱۳.
- * رضائی پشته نوئی، یاسر، صفری گرایلی، مهدی، (۱۳۹۸)، توانایی مدیریت و کیفیت محیط اطلاعاتی شرکت، دانش حسابداری مالی، ۶(۴)، ۱۷۷-۱۵۷.
- * شفیع زاده، بهاره، حسینی، سیدعلی، رحمانی، علی و محمد سلطانی، (۱۳۹۷)، نقش گزارشگری مالی، شفافیت و راهبری شرکتی در حمایت از حقوق سرمایه گذاران، فصلنامه بورس اوراق بهادار، دوره ۱۱(۴۲)، ۷۴-۹۵.
- * شورورزی، محمدرضا، قوامی، هادی، حمید حسین پور، (۱۳۹۲)، رابطه بین شفافیت اطلاعات بازار سرمایه و بروز حباب قیمت، اقتصاد پولی، مالی، ۲۰(۵)، ۲۷-۵۸.
- * شورورزی، محمدرضا، نیکومرام، هاشم، (۱۳۸۹)، طراحی و تبیین مدلی برای ارزیابی کیفیت سود با استفاده از خصوصیات کیفی مفاهیم نظری گزارشگری مالی در ایران، تحقیقات حسابداری، انجمن حسابداری ایران، ۲(۷)، -۱۱۰، ۱۲۷.
- * طاهری عابد، رضا، علی نژاد ساروکلایی، مهدی و خسرو فغانی ماکرانی، (۱۳۹۹)، تأثیر خودشیفتگی مدیرعامل بر شفافیت گزارشگری مالی. پژوهش حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۲(۴۸)، ۷۱-۹۴.
- * عرب مازار، علی اکبر، طالب نیا، قدرت الله، و کیلی فرد، حمیدرضا و محمود صمدی لرگانی، (۱۳۹۰)، تبیین ارتباط بین شفافیت گزارشگری مالی با گزارشگری مالیاتی در ایران، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۳(۹)، ۲۲-۳۷.
- * عربی، مهدی، تقوی، مهدی، رویایی، رضاعلی و بهمن بنی مهدی، (۱۳۹۷)، محتوای اطلاعاتی صورت های مالی در فرایند
- در مقایسه با الگوهای مبتنی بر تئوری مشروعیت از مقادیر بالاتری برخوردار هستند. ضمناً در الگوهای مبتنی بر تئوری ذینفعان، دیدگاه اعضای هیات علمی (مدل اول) تفاوت معنی داری با تمامی دیدگاه های دیگر دارد. در الگوهای مبتنی بر تئوری مشروعیت نیز دیدگاه تحلیل گران شرکتهای سرمایه گذاری (مدل چهارم) تفاوت معنی داری با تمامی دیدگاه های دیگر دارد.
- در راستای نتایج تحقیق، به مسئولان بازارهای سرمایه پیشنهاد می شود تا تأکید بیشتری بر کیفیت اطلاعات حسابداری منتشره توسط شرکتهای داشته باشند، زیرا این امر مستقیماً بر شفافیت محیط اطلاعاتی موثر است. همچنین، به حسابرسان مستقل پیشنهاد می گردد اهمیت نسبی انواع خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری تعیین شده در پرتو تئوری ذینفعان از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه ها و به طور خاص ویژگی کیفی احتیاط را مورد توجه جدی قرار داده و در رسیدگی های خود بر آنها تأکید نمایند تا بتوانند در تحقق مطلوب منافع ذینفعان و دستیابی به مشروعیت سازمانی شرکتهای موثر واقع شوند. در نهایت، به سیاست گذاران حسابداری پیشنهاد می گردد تا ضرایب تعیین شده برای ویژگی های کیفی اطلاعات حسابداری محاسبه شده در الگوهای پیشنهادی تحقیق حاضر را (و به طور خاص ویژگی های کیفی احتیاط که در مدل های اول و سوم، انتخاب خاصه که در مدل چهارم، و همچنین ویژگی کیفی کامل بودن که در مدل دوم دارای بالاترین ضریب تأثیر می باشند) در توسعه سیاست ها و استانداردهای حسابداری جدید و بازنگری استانداردهای حسابداری موجود جهت دستیابی به اهداف نظریه اقتصاد سیاسی (موازنه قدرت در اقتصاد جامعه در پرتو اهداف تئوری ذینفعان و تئوری مشروعیت سازمانی) مورد توجه قرار داده و یافته های تحقیق حاضر را در ارتباط با اهمیت نسبی انواع خصوصیات کیفی اطلاعات حسابداری در بهبود آنها مورد توجه قرار دهند.

فهرست منابع

- * اثنی عشری، حمیده، سجادی، سیداحمدرضا، (۱۳۹۷)، اثر اندازه شرکت و محیط اطلاعاتی بر رابطه بازده سهام و حجم معامله، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۰(۴۰)، ۵۹-۷۴.
- * احمدپور، احمد. رسائیان، امیر، (۱۳۸۶)، رابطه بین اطلاعات نامتقارن و هزینه های انتخاب نادرست، مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه سمنان، سال ششم، شماره ۱۷، ۲۹-۶۴.
- * آقای، محمدعلی، رحمانی، حلیمه، (۱۳۹۲)، ارائه مدلی برای ارزیابی تأثیرگذاری خصوصیات کیفی بر سودمندی

- * هاشمی بهرمان، مریم، بنی‌مهد، بهمن، (۱۳۹۴)، مدیریت سود و به موقع بودن اطلاعات حسابداری، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۴(۱۳)، ۸-۱.
- * واعظ، سیدعلی، درسه، سیدصابر، (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر تخصص حسابرس در صنعت بر رابطه بین عدم شفافیت اطلاعات مالی و خطر سقوط آتی قیمت سهام، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۰(۳۹)، ۱۱۱-۱۳۲.
- * یوسفی اصل، فرزانه، ملانظری، مهناز و غلامرضا سلیمانی امیری، (۱۳۹۳)، تبیین مدل شفافیت گزارشگری مالی، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۴(۱۴)، ۱-۳۸.
- * Alzahrani, M. & Rao, R. P. (2014). "Stock Market Mispricing and Corporate Investments: Evidence from Market-to-Book Ratio Decomposition". the Financial Review, 49(1), 89-116.
- * Baik, B., Brockman, P. A., Farber, D. B., and Lee, S. (2018). "Managerial Ability and the Quality of Firms' Information Environment". Journal of Accounting, Auditing & Finance, 33(4): 506-527.
- * Barua, A. (2005). "Using the FASB's qualitative characteristics in earnings quality measures, ProQuest Information and Learning Company". UMI.
- * Bentley-Goode, K. A., Omer, T. C., and Twedt, B. J. (2018). "Does business strategy impact a firm's information environment?". Journal of Accounting Auditing and Finance, in press.
- * Bushman, R and Piotroski, J, Smith, A. (2004). "What determines corporate transparency?". Journal accounting Research. 42(2),207-252.
- * Callen, J., S. Govindaraj, and L. Xu. (2000). "Large time and small noise asymptotic results for mean reverting diffusion processes with applications". Economic Theory 16: 401-19.
- * Dai, J., Lu, C., & Qi, J. (2019). Corporate social responsibility disclosure and stock price crash risk: Evidence from China. Sustainability, 11(2), 448.
- * De Franco, G., Kothari, S., & Verdi, R. (2011). "The benefits of financial statement comparability". Journal of Accounting Research, 49(4), 895-931.
- * Dechow P., Sloan G., and Sweeney A. (1995), "Detecting Earnings Management", The Accounting Review, 70 (2).
- * Diamond, D., & Verrecchia R. (1991). Disclosure, liquidity and the cost of equity capital. The journal of finance, September, PP.1335-1360.
- * Donaldson, T., and L. E. Preston. 1995. The stakeholder theory of the corporation: Concept, evidence, and implications, Academy of Management Review 20: 701-711.
- * García Martín, C.J., Herrero, B., (2020). Do board characteristics affect environmental performance? A study of EU firms. Corp. Soc. Responsib. Environ. Manag. 27, 74-94.
- * Gernon H, Meeks GK (1997). "Accounting an international perspective, 5th edn". Irwin McGraw-Hill, Singapore.
- * Givoly, D and Hayn, C. (2000). "The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: has financial accounting become
- تشدید تحریم‌های اقتصادی بر ایران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۵(۱)، ۹۱-۱۱۲.
- * علوی، سیدمصطفی. قادرزاده، کریم. (۱۴۰۰). اجتناب مالیاتی: مسئولیت اجتماعی و نقش تعدیل‌گر مالکیت خانوادگی. مجله دانش حسابداری، آماده انتشار.
- * علی‌خانی، راضیه، مران‌جوری، مهدی، (۱۳۹۳)، کاربرد تئوری‌های افشای اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی، فصلنامه مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۹، ۳۶-۵۴.
- * عیسانی تفرشی، محمد. یحیی‌پور، جمشید، (۱۳۹۲)، تئوری ذینفعان با رویکرد مقررات شرکت‌های سهامی ایران. فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۲۳، ۳۶-۵۴.
- * فتحی، سعید، بختیاری، بردیا، حمیدرضا مودنی، (۱۳۹۴)، تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر کیفیت بازار سهام شرکت‌ها. چشم‌انداز مدیریت مالی، شماره ۱۲، ۴۱-۶۳.
- * فخاری، حسین. رضائی پیتنه‌نوئی، یاسر، (۱۳۹۶)، ارائه مدلی برای سنجش محیط اطلاعاتی شرکت، حسابداری مالی، ۹(۳۳)، ۱۲۱-۱۴۷.
- * فخاری، حسین، رضائی پیتنه‌نوئی، یاسر، (۱۳۹۷)، تأثیر کمیته حسابرسی بر محیط اطلاعاتی شرکت، فصلنامه حسابداری مدیریت، ۱۱(۳۶)، ۶۳-۷۹.
- * فروغی، داریوش، قاسم‌زاد، پیمان، (۱۳۹۵)، تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر همزمانی قیمت سهام، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱(۲۷)، ۵۴-۳۹.
- * قائمی، محمدحسین، وطن‌پرست، محمدرضا، (۱۳۸۴). نقش اطلاعات حسابداری در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۲(۴۱)، ۸۵-۱۰۳.
- * کامیابی، یحیی، شهبواری، معصومه و رسول سلمانی، (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها بر عدم تقارن اطلاعاتی (شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار)، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۸(۳۰)، ۱۲۶-۱۳۵.
- * کرمی، غلامرضا، فیروزنیا، امیر، کلهرنیا، حمید، (۱۳۹۹)، اهمیت کیفیت محیط اطلاعات داخلی در اجتناب مالیاتی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۲(۴۵)، ۴۷-۸۰.
- * مام‌صالحی، پرویز، اسکندلی، طاهر، (۱۳۹۸)، تنوع جنسیتی اعضای هیأت مدیره و ارتباط ارزشی گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها. پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال هشتم، شماره ۳۲؛ صص ۳۵۱-۳۶۸.

- conservative?”. *Journal of Accounting and Economics*, 29(1): 287–320.
- * Hung, Mingyi., Shi Jing & Wang Yonxian. (2013). "The Effect of Mandatory CSR Disclosure on Information Asymmetry: Evidence from a Quasi-natural Experiment in China". <http://www.ssrn.com>.
 - * Jacoby, G., Liu, M., Wang, Y., Wu, Z., Zhang, Y., 2019. Corporate governance, external control, and environmental information transparency: evidence from emerging markets. *J. Int. Financ. Mark. Inst. Money* 58, 269–283.
 - * James, H. Liang, Ngo, Thanh, Wang, Hongxia. (2021), Independent director tenure and corporate transparency, *The North American Journal of Economics and Finance*, Volume 57, July 2021, 101413.
 - * Kim, J-B., Li, L., Yi Lu, L & Yu, Y. (2016). "Financial statement comparability and expected crash". *Journal of Accounting and Economics*, 61(2-3), 294–312.
 - * Koch, christofer, von, Willeson, Magnus. (2020). Firms' information environment measures: a literature review with focus on causality, *Managerial Finance*, Volume 46, Issue 11.
 - * Lang, M., M. Maffett. (2011). "Transparency and liquidity uncertainty in crisis periods". *Journal of Accounting and Economics*, 52, 101–125.
 - * Lev, B.,(1988). "Toward a theory of equitable and efficient accounting policy", *The accounting Review* 63 (1)
 - * Li F. (2008). "Annual report readability, current earnings, and persistence". *Journal of Accounting and Economics*, 45, 221-247.
 - * Madhavaram, S., Badrinarayanan, V. and McDonald, R.E. (2005). "Integrated marketing communication (IMC) and brand identity as critical components of brand equity strategy: a conceptual framework and research propositions". *Journal of Advertising*, 34(4), 69-80.
 - * Ohlson, J., Feltham, G. (1995). "Valuation and clean surplus accounting for operating and financial activities". *Contemporary Accounting Research*, 11 (2), 689-731.
 - * Pagano, M and Volpin, P. (2005), "Managers, Workers, and Corporate Control", *The Journal of finance* 22, PP. 841-868.
 - * Rhodes-Kropf, M., Robinson, D. and Viswanathan, S. (2005). Valuation waves and merger activity: The empirical evidence". *Journal of Financial Economics*, 77(3), 561–603.
 - * Shen, H., Liu, R., Xiong, H., Hou, F., & Tang, X. (2021). Economic policy uncertainty and stock price synchronicity: Evidence from China. *Pacific-Basin Finance Journal*, 65, 101485.
 - * Thi Hong Van Hoang, Wojciech Przychodzen, Justyna Przychodzen, Elysé A. Segbotangni (2021). "Environmental transparency and performance: Does the corporate governance matter?", *Environmental and Sustainability Indicators*, Volume 10, pp 1-11.
 - * Kaplan, S., & Zingales, L. (1997). "Do investment-cash flow sensitivities provide useful measures of financial constraints?". *The Journal of Economics*. 112, 169-215



Accounting Knowledge & Management Auditing

Vol. 11/ No. 42/ Summer 2022

The relative importance of qualitative characteristics of accounting information in clarifying the information environment of company from the perspective of different groups in the light of organizational legitimacy theory and stakeholder theory

Farhad Forghani

Ph.D. Student in Accounting, Faculty of Economic, Management and Accounting, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Younes BadAvar Nahandi

Associate Prof., Faculty of Economic, Management and Accounting, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

(Corresponding Author)

badavamahandi@iaut.ac.ir

Abstract

Accounting information as a public good has significant social and economic effects in various areas of society, by helping to increase the transparency and efficiency of information; In this research, the relative importance of qualitative characteristics of accounting information in clarifying the information environment in the light of stakeholder theory and organizational legitimacy theory has been investigated. Therefore, information asymmetry and stock price synchronicity are considered as criteria for transparency of information environment. To determine the relative importance of each of the qualitative characteristics and its modeling, the views of experts in four separate groups and Shannon entropy technique have been used. To assess the validity of the presented models, the data of 125 companies over a period of 7 years have been used. According to the results, by using stock price synchronicity as a measure of information environment transparency in the light of the theory of organizational legitimacy, the view of analysts of investment companies is stronger than other models. Also, by using information asymmetry as a measure of transparency of the information environment in the light of stakeholder theory, the views of faculty members of universities are stronger than other proposed research models. The results of study lead to development of theoretical foundations and accounting and financial literature to determine the relative importance of the qualitative characteristics of accounting information in clarifying the information environment.

Keywords: Information Environment Transparency, Qualitative Characteristics of Accounting Information, Theory of Political Economy, Stakeholder Theory, Theory of Organizational Legitimacy.

